

نسخه

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی
سال پنجم / شماره یکم / پیاپی ۸ / بهار - تابستان ۱۳۹۸

جایگاه‌شناسی احکام قضایا در میان منطق‌دانان مسلمان^۱

علی ابراهیم پور^۲

چکیده

در کتب منطق اسلامی مباحثی شامل تناقض، عکس مستوی و... یافت می‌شود. تفاوت مشهود در نوع نگاه عالمان منطق در خصوص جایگاه و اهمیت این مباحث، مبداء این سؤال است که احکام قضایا در دیدگاه منطق‌دانان اسلامی چه اهمیت و جایگاهی، و در طول تاریخ منطق چه تحولاتی داشته است؟ و اینکه این تحولات چه تأثیری بر علم منطق داشته است؟

در این مقاله، بنا بر یافته‌هایی که از کتب قدما و متأخرین منطق‌دان به دست آمد، سیر تطور احکام قضایا (با تأکید بر قضایای حملیه) به سه دوره تاریخی تقسیم شده است و در هر دوره با لحاظ تاریخ حیات نویسنده، تبویب کتاب‌های آنها شناسایی شده و جایگاه احکام قضایا در آن کتاب‌ها و همچنین تعداد احکامی که به آن اشاره کرده‌اند، مطرح شده است.

کلیدواژگان

احکام قضایا، استدلال مباشر، تناقض، عکس مستوی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵.

۲. دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه قم (montazer.mahdy@gmail.com)

مقدمه

منطق به عنوان علمی که رسالت خود را بیان «مجموعه قواعد و قانون‌های کلی که به کار گیری آنها ذهن را از خطای در تفکر باز می‌دارد»^۱ برگزیده است، بایستی تبیینی صحیح از انواع فکر و قواعد هر نوع آن بیان کند. تفکر نیز به معنای حرکات ذهن است که با هدف تبدیل مجهول به معلوم رخ می‌دهند. مجهولات انسان از دو حالت خارج نیستند: یا صورتی از یک شیء در ذهن وجود ندارد و یا اعتقادی در ذهن نداریم. مجهولات نوع اول را با عملیات تعریف (معرف) حل می‌کنیم و ایجاد می‌نماییم، و اعتقاد جدید نیز به وسیله استدلال (حجت) ایجاد می‌شود. پس خطاهای ما یا در حوزه تعاریفات است و یا در حوزه استدالات.

از این رو برخی از منطق‌دانان در موضوع منطق به «معرف و حجت» اشاره کرده‌اند.^۲ به همین علت منطق به دو باب تصورات و باب تصدیقات تبویب شده و می‌شود، که اولی به حوزه تعاریفات، و دومی به حوزه استدلال‌ها اختصاص دارد.

استدلال‌ها به حسب صورت در یک تقسیم کلی و اولی، دو دسته‌اند:

دسته‌ای از آنها این‌گونه‌اند که در ظاهر از یک قضیه شروع می‌شوند و با شرایطی، به نتیجه می‌رسند. این دسته از استدلال‌ها را استدلال مباشر یا احکام قضایا یا احوال قضایا یا لوازم قضیه به‌تنهایی (عند انفرادها) می‌نامند؛

دسته دیگر این‌گونه‌اند که دست‌کم باید دو قضیه در کنار هم قرار گیرند تا از ترکیب آنها نتیجه به دست آید. این دسته از استدلال‌ها را حجت یا استدلال غیر مباشر می‌نامند.^۳

تنها در کتب متأخر منطق اسلامی بحث «احکام قضایا» با عنوان «استدلال مباشر» طرح گردیده است. استدلال بودن یا نبودن و مباشر بودن یا نبودن احکام قضایا محل تأمل است و خود بحثی جدا را می‌طلبد؛ البته بحث‌هایی نیز در این زمینه صورت گرفته و در قالب مقاله‌هایی به چاپ رسیده است.^۴ اما در هر صورت عنوان‌های «استدلال مباشر» یا «احکام قضایا» عناوینی مربوط به مسائل خاصی نظیر تناقض و عکس مستوی هستند که در کتب منطقی بحث می‌شوند.

این مباحث در طول تاریخ دست‌خوش تحولات قابل توجهی شده‌اند. چنان‌که دیده می‌شود، در زمان‌های ابتدایی تدوین علم منطق، تنها به دو مورد از موارد احکام قضایا اشاره می‌شود؛

۱. نصیرالدین طوسی، شرح‌الاشارات و التنبيهات، ص ۱؛ علامه حلی، الأسرار الخفیة، ص ۷؛ مظفر، المنطق، ص ۸؛ کاشف

الغطاء، نقد الآراء المنطقیة، ج ۱، ص ۱۰۳؛ منتظری مقدم، منطق ۲، ص ۲۱۰-۲۵۰؛ مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۴۴.

۲. مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۵۰.

۳. سلیمانی امیری، معیار دانش، ج ۱، ص ۳۴۹.

۴. ر.ک: عظیمی، مهدی، «نقدی بر استدلال مباشر»، معرفت فلسفی، سال چهارم، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵، ص ۸۵-۱۱۳.



بدون اینکه عنوان مستقلى براى آنها انتخاب شود و در کنار هم و در يك فصل خاص مطرح شوند؛ ولي امروزه مى‌بينيم كه نه تنها در کنار يكديگر مطرح شده و تعدادشان چند برابر گشته است، بلكه با عنوان «استدلال» از آنها ياد مى‌شود و جنبه استدلالى پيدا کرده‌اند و به عنوان اقسامى از استدلال مطرح هستند.

با توجه به اينكه در كتب قدما همچون ابن سينا و خواجه نصير، موارد احكام قضایا به تعدادى كه مظفر بيان مى‌كند، مطرح نبوده و حتى انواع احكام قضایا در بعضى از كتب متقدمين در يك فصل و در کنار هم بحث نشده‌اند و همچنين در سال‌هاى اخير نيز استادان و پژوهشگران عرصه منطق اسلامى، مورد جديدى (تحت عنوان «عكس نقیض موضوع» يا «نقض عكس») را به موارد استدلال مباشر افزوده‌اند، اين سؤال مطرح مى‌شود كه احكام قضایا در كتب منطقي قدما و متأخرين از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟ و در اين سير تاريخى چه ادوارى را گذرانده و چه تحولاتى يافته است؟ منطق‌دانان در کدام بخش از كتب خود به آن اشاره مى‌کردند؟ منشأ چه تحولاتى در علم منطق شده است؟ همچنين چه مواردى از آنها را مورد بحث قرار مى‌دادند؟

مراد از سير تطور در اين مقاله، بررسى جريانات و ادوار تغيير و تحولات مسئله در تاريخ علم منطق است. همچنين مراد از جایگاه‌شناسى در اين مقاله، بررسى نوع دسته‌بندى‌ها و تبويب و جایگاه مباحث استدلال مباشر در نسبت با مباحث ديگر در علم منطق است. در اين پژوهش، آرايى كه درباره تعداد استدلال مباشر و نوع تبويب آن تا به امروز مطرح شده است، با سير تاريخى آن بررسى مى‌شود. همچنين از آنجا كه هدف ما «جایگاه‌شناسى» استدلال مباشر در دیدگاه منطق‌دانان است، كتب ايشان را از نظر تبويب بررسى کرده‌ايم تا جایگاه احكام قضایا در آنها به درستی مشخص شود.

به طور كلى سير تطور احكام قضایا سه دوره اصلى دارد:

الف) تا قبل از كاتبى قزوینى؛^۱

ب) از كاتبى قزوینى تا محمدرضا مظفر؛

ج) بعد از محمدرضا مظفر تا امروز.

به عبارتى كاتبى قزوینى و مظفر تاريخ منطق را در بحث احكام قضایا در منطق اسلامى به سه دوره تقسيم مى‌کنند. از آنجا كه مظفر و همچنين رضاكبرى و سلیمانى اميرى هر کدام در دوره سوم، منشأ تحول در اين زمينه بوده‌اند، نظر هر کدام در بخشى مجزا خواهد آمد.

۱. صاحب رساله الشمسيه كه يکى از کتاب‌هاى مهم منطق است و بعدها قطب‌الدين رازى و علامه حلى بر اين کتاب شرح نوشته‌اند.



هرچند به نحو ثبوتی، احکام و روابط قضایا، هم در قضایای حملیه و هم در قضایای شرطیه، قابل طرح و بحث است، اما منطق دانان اسلامی، اولاً این مباحث را در باب حملیه‌ها طرح کرده‌اند و مثال‌ها و عباراتی که برای تعریف این احکام و روابط ذکر کرده‌اند، معمولاً با ادبیات موضوع و معمولی - که ویژگی قضایای حملی است - طرح شده است. اگرچه بررسی نحوه جریان احکام قضایا در قضایای شرطی، تعریف و تعداد آن و همچنین بررسی سیر تطور و نظریات منطق دانان مسلمان در این باره، خود موضوعی درخور اعتناست، اما در این پژوهش روی اصل تعداد و جایگاه‌شناسی احکام قضایا (بدون تعرض به حملیه یا شرطیه بودن و تفاوت قواعد آنها) تمرکز شده است و به‌نوعی روال عمومی کتب منطقی که این مباحث را در حملیه بررسی می‌کنند، مراعات شده است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره جایگاه‌شناسی و بررسی سیر تطور مباحث احکام قضایا در منطق اسلامی، پژوهش مستقلی به صورت جدی مطرح نشده است. در دو مقاله به صورت مختصر و فرعی به دو یا سه کتاب منطقی، آن هم از باب نیازی که برای حل مسائل اصلی خود داشته‌اند، اشاره کرده‌اند و بحث‌هایی در این زمینه مطرح شده است: یکی مقاله «حجت و استدلال مباشر» نوشته فرشته نباتی است که تنها دیدگاه ارسطو، ابن سینا و خواجه را بررسی کرده است^۱ و دیگری مقاله «نقدی بر استدلال مباشر» نوشته مهدی عظیمی که بیشتر ناظر به دوره تاریخی مظفر و بعد از او بوده است.^۲ عسکری سلیمانی نیز در کتاب معیار دانش تاریخچه‌ای مختصر از برخی اقسام استدلال مباشر ذکر کرده است.^۳

۳. اهمیت و ضرورت موضوع

چنین تحولی در کتب منطقی بسیار عجیب و جالب توجه به نظر می‌رسد: مسائلی که در منطق ارسطو بسیار جزئی و تنها در حد دو مورد و به صورت پراکنده در دو فصل مجزا مطرح بوده است، آرام آرام در طول تاریخ منطق، نظم و نسق می‌گیرند و تعدادشان افزوده شده و به عنوان یک بحث مجزا و هم‌عرض مباحث اصلی دیگر منطق مطرح می‌شوند و حتی در این اواخر نوعی خاص از استدلال محسوب می‌شوند و هم‌عرض قیاس قرار می‌گیرند و موجب می‌شوند که باب استدلال منطق در تقسیم اولی به دو بخش استدلال مباشر و غیر مباشر تقسیم شود.

۱. نباتی، «حجت و استدلال مباشر»، دو فصل نامه علمی - پژوهشی حکمت سینوی (مشکوه‌النور)، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۷۰.

۲. عظیمی، «نقدی بر استدلال مباشر»، معرفت فلسفی، سال چهارم، ش ۱، ۱۳۸۵، ص ۹۱.

۳. سلیمانی امیری، معیار دانش، ج ۱، ص ۳۵۹-۴۱۳.



این تغییر و تحول، مشعر به تغییر نگاه منطقدانان به این مباحث است. بررسی سیر تاریخی این تحول به فهم بهتر این بحث از منظر و مباحث دیگری که به آن مرتبطاند، کمک می‌کند. همچنین زمینه بررسی تعداد استدلال‌های مباشر نیز باز می‌شود که آیا تعداد احکام قضایا پایان‌پذیر است؟ علاوه بر اینها پیدا کردن پاسخ این سؤال می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های روش‌شناسی در منطق گردد.

۴. ادوار تاریخی مسئله

۴-۱. تا قبل از کاتبی قزوینی

بر طبق تحقیقات، ارسطو (۳۸۴/۳-۳۲۲/۱ ق.م) ^۱ در *ارغنون* ^۲ بحث مستقلی تحت عنوان احکام قضایا و یا استدلال مباشر ندارد. او از موارد استدلال مباشر، تناقض و تضاد را در کتاب *عبارت*، و عکس مستوی را به عنوان مقدمه انواع قیاس طرح می‌کند. ^۳
ابونصر محمد فارابی (۲۵۹-۳۳۹ ق) ^۴ در جلد اول *المنطقیات* که مجموعه‌ای است از هجده رساله فارابی در موضوعات منطقی، در «کتاب آنولوژیقا الاول فی مباحث قیاس» هجده فصل می‌آورد. او شش فصل از این فصول را به مباحث مربوط به استدلال مباشر اختصاص می‌دهد؛ بدون آنکه از عنوان استدلال مباشر یا احکام قضایا یاد کند. بعد از تعریف قضیه و بیان اقسام آن در فصل سوم، دو قضیه متقابل را تعریف کرده، شروط آن را بیان چنین می‌کند: دو قضیه‌ای که یکی موجب و دیگری سالبه است، اگر اتحاد تام در موضوع و محمول داشته باشند، آن دو قضیه متقابل‌اند. ^۵

در فصل چهارم، فارابی اقسام تقابل را بدین شکل بیان می‌کند که دو قضیه متقابل تقسیم می‌شوند به شخصیتین، متضادین، تحت‌المتضادین، متناقضتین، و مهملتین. شخصیتین زمانی است که موضوع، شخص جزئی باشد. متضادین زمانی است که سورشان کلی باشد. تحت‌المتضادین زمانی است که سورشان جزئی باشد. متناقضتین نیز زمانی است که سور یکی جزئی و سور دیگری کلی باشد، و در نهایت مهملتین هم زمانی است که هیچ کدام هیچ سوری نداشته باشند. ^۶ او در فصل پنجم درباره صدق و کذب مقابلات بحث کرده و در فصل ششم

۱. کاپلستون، *تاریخ فلسفه (یونان و روم)*، ج ۱، ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی، ص ۳۰۷-۳۱۰.

۲. Organon، کتاب منطقی ارسطو.

۳. نیاتی، «حجت و استدلال مباشر»، دو فصل نامه علمی - پژوهشی حکمت سینوی (مشکوه النور)، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۷۰.

۴. مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، *المعجم الموضوعی لمنتخب الکتب المنطقیه*، ج ۱، ص ۱۹.

۵. فارابی، *المنطقیات*، ج ۱، ص ۱۱۹.

۶. فارابی، *المنطقیات*، ج ۱، ص ۱۲۰-۱۲۱.



نیز عکس مستوی را توضیح می‌دهد و در فصول بعدی نیز بحث از قیاس را آغاز می‌کند.^۱ وی در کتاب *الامکنه المغالطه*، ذیل فصل سوم که به مغالطات معنوی اشاره می‌کند، در قسمتی که مربوط به مغالطه ایهام انعکاس است، در ضمن یک مثال، اشاره‌وار از عکس نقیض (موافق) نیز نام می‌برد.^۲ اما به نحو رسمی و واضح، این قاعده را در فصل پنجم از کتاب *التحلیل*، به عنوان یکی از مواضعی^۳ که رابطهٔ تقابلی در آن نهفته است و می‌توان از آن روابط استلزامی ساخت، ذکر می‌کند.^۴

فارابی در جلد دوم *المنطقیات* در مقام شرح عبارتی از ارسطو، به تناسب به «قانون برقلس»^۵ اشاره می‌کند. مفاد این قانون همان «نقض محمول» است. سپس با دلیل و مثال به نقد آن می‌پردازد و باطل بودن آن را به عنوان قانونی کلی و تلازمی طرفینی، اثبات می‌کند.^۶ با توجه به این مطلب، بهتر است در همین ابتدا اشاره شود - چنان‌که در ادامه نیز روشن خواهد شد - هیچ یک از قدمای منطق‌دانان اسلامی، نه تنها قاعدهٔ نقض محمول را ذکر نکرده‌اند، بلکه بطلان آن نیز به تناسب مباحث مختلف، در جای‌جای کتب ایشان ذکر شده است. اساساً در دستگاه منطق اسلامی، از آنجا که «سالبه محصله» اعم از «موجبه معدوله» است و «سالبه به انتفای موضوع»ها را نیز شامل می‌شود، نمی‌توان به صورت یک قاعدهٔ کلی و عمومی از سالبه، موجب نتیجه گرفت.^۷

ابن زرعه (۳۳۱-۳۹۸ق)^۸ در کتاب *منطقی‌اش* که دارای سه بخش «قضایا»، «قیاس و اشکال

۱. همان، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۲. همان، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۳. «المواضع هی المقدمات الکلیه التي تستعمل جزئیاتها مقدمات کبری فی قیاس، وفی صناعة صناعة» (فارابی، *المنطقیات*، ج ۱، ص ۲۲۹).

۴. فارابی، *المنطقیات*، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۸.

۵. والمفسرون یزعمون ان برقلس الافلاطونی اعطی حین ما فسر هذا الموضع من کلام ارسطو طاليس قانونا فی المتلازمات المعدولات والبسائط. فقال: کل قضیه بسیطة وافقت معدولة ما فی الکمیة وخالفتها فی کیفیة، فان کل واحده منهما تلزم الاخری وتبعتها.

۶. فارابی، *المنطقیات*، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۸.

۷. همان؛ علامه حلی، *الجواهر النضید*، ص ۵۳؛ همو، *القواعد الجلیه فی شرح الرساله الشمسیه*، ص ۲۵۷؛ شهرزوری، *رسائل الشجرة الالهیه فی علوم الحقایق الریانیة*، ص ۲۰۲؛ ابن رشد، *تلخیص کتاب العباره*، ص ۷۸؛ ابن سینا، *الشفاء (المنطق)*، عبارت، ص ۷۹-۸۱؛ همو، *النجاه*، ص ۲۷-۲۸؛ قطب‌الدین رازی، *تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الرساله الشمسیه*، ص ۲۶۵-۲۷۱ و ۳۳۶؛ همو، *شرح المطالع*، ص ۱۴۴؛ همو، *المحاکمات*، ص ۱۴۴؛ *میرداماد*، *مصنفات میرداماد*، ص ۴۲؛ بهمنیار، *التحصیل*، ص ۵۵؛ بغدادی، *المعتبر فی الحکمه*، ص ۹۷؛ نصیرالدین طوسی، *شرح الاشارات و التنبیها*، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۸. مرکز پژوهشی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی، *المعجم الموضوعی لمنتخب الكتب المنطقیه*، ج ۱، ص ۲۱.

آن» و همچنین «حد و برهان» می‌باشد، در بخش اول بدون عنوان خاصی از تناقض (چه شخصیه، چه مهمله و چه سوردار)، تضاد و دخول تحت تضاد یاد می‌کند.^۱

أبوعلی ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ق)^۲ در قسمت منطق کتاب *شفا* به تبع ارسطو، در کتاب «عبارت» که به مبحث قضایا اختصاص دارد، از موارد احکام قضایا، به تناقض و تضاد اشاره می‌کند و تداخل و دخول تحت تضاد را نیز به آنها می‌افزاید و بدین طریق به صورت کامل، به مربع تقابل اشاره می‌کند. کتاب «عبارت» فن سوم منطق *شفا* است. مقاله اول این فن ده فصل دارد که فصل هفتم و دهم آن به این مباحث مربوط می‌شود.^۳

وی در کتاب «قیاس» که فن چهارم منطق *شفا* است، سه فصل از فصول چهارگانه مقاله دوم این فن را به مباحث عکس اختصاص داده است.^۴ از بین اقسام عکس، آن قسمی که بیشترین حجم (حدود هجده صفحه) بحث را به خود اختصاص داده و قواعد حالات مختلفش بیان شده، «عکس مستوی» است. شیخ‌الرئیس در اواخر فصل دوم در عبارتی می‌گوید: «نوع دیگری از عکس نیز وجود دارد که لازم است در آن تأمل کنیم و آن چیزی است که عکس نقیض نامیده می‌شود».^۵ وی در این بخش مختصر، تعریف عکس نقیض موافق (روش قدما) را ذکر می‌کند و برای آن مثال می‌آورد و در ضمن مثال، به نوعی به عکس نقیض مخالف (روش متأخرین) نیز اشاره می‌کند. وی بعد از چند مثال مختصر، تأیید می‌کند که شقوق و «فحوص» بیشتر در این مسئله وجود دارد؛ اما بهتر می‌بیند که بررسی آنها را به کتاب *اللواحق* خود^۶ حواله دهد.

ابن سینا در *اشارات* با درک صحیح از شباهت این مباحث، آنها در کنار هم می‌آورد. منطق *اشارات* ده نهج دارد که نهج پنجم آن مستقلاً به مباحث احکام قضایا و استدلال مباشر اختصاص دارد. از میان اقسام احکام قضایا، به تناقض به صورت صریح و به بقیه اقسام مربع

۱. ابن زرعه، منطق ابن زرعه، ص ۳۹-۴۷.

۲. فنابی اشکوری، درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۳۰۶.

۳. ابن سینا، *الشفاء (المنطق)*، ج ۱، ص ۴۵-۵۳ و ۶۶.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۰۵-۷۵.

۵. همان، ص ۹۳.

۶. کتاب *اللواحق* شیخ بارها در کتاب *شفا* مورد ارجاع قرار گرفته است. وی در آغاز منطق می‌گوید: «ثم رأيت أن اتلو هذا الكتاب بكتاب آخر، اسميه كتاب اللواحق يتم مع عمري ويؤرخ بما يفرغ منه في كل سنة، يكون كالشرح لهذا الكتاب وكتفريع الاصول فيه وبسط الموجز من معانيه» (ابن سینا، *الشفاء (المنطق)*، ج ۱، ص ۱۰۰). از مجموع عبارات وی در این باره چنین برمی‌آید که اولاً کتاب *لواحق* به منزله شرح *شفا* است و ثانیاً در بر دارنده مباحث و فروعاتی بیش از *شفا*. با این حال قید ضمائر مضارع در تمامی این عبارات، گویای قصد شیخ بوده، و فعلیت یافتن این نیت، محل تأمل است؛ زیرا هیچ گونه گزارش نقلی و نسخه خطی از آن تا کنون به دست نرسیده است.

تقابل به صورت ضمنی اشاره، و جز عکس مستوی، موارد دیگر را مطرح نمی‌کند. همچنین او هیچ‌گاه عنوان «احکام قضایا» یا «استدلال مباشر» را به کار نمی‌برد و تنها عنوان نهج مربوطه را «فی تناقض القضایا و عکسها» می‌نامد.^۱

درباره «عکس نقیض» باید گفت با توجه به اینکه کتاب *لواحق* به تصریح خود وی، در میان کتب شیخ به عنوان شرحی بر *شفها* و کتابی با فروع و فراوان مطرح بوده و از آنجا که خود *شفها* از مفصل‌ترین کتب منطقی به شمار می‌آید، می‌توان استنباط کرد که بحث عکس نقیض از مباحث جدی و ضروری منطقی نبوده است که اگر این‌گونه بود، حق آن بود که به اندازه عکس مستوی به آن پرداخته می‌شد. شاهد کم‌اهمیتی بحث مزبور در نظام منطقی ابن سینا این است که اولاً در *اشارات* هیچ اشاره‌ای به آن نمی‌کند؛ ثانیاً ثمره جزئی و کمی دارد؛ چراکه به نحو رسمی این قاعده به عنوان ابزار منطقی، تنها در بحث «توابع نتایج قیاس» مطرح شده،^۲ و ذیل مغالطه ایهام انعکاس و اواخر بحث خطابه،^۳ اشاره‌وار از آن یاد می‌شود.

بهمنیار بن مرزبان (؟-۴۵۸ش)^۴ نگارنده کتاب *التحصیل* است. *التحصیل* کتابی در فلسفه مشاء است. قسمت اول این کتاب به مباحث منطقی اختصاص دارد و دارای سه مقاله است. مقاله اول در سه باب، به ترتیب به بیان کلیات خمس (چهارده فصل)، مقولات (سه فصل) و قضیه (دوازده فصل) می‌پردازد. مقاله دوم درباره آموزش قیاس است (بیست و سه فصل) و مقاله سوم در بیان حد و برهان است و دو باب به همین نام دارد.

او در باب سوم از مقاله اول بخش منطقی این کتاب، در فصل دهم به بحث تناقض قضایا، و در فصل یازدهم به بحث عکس قضایا می‌پردازد. او در فصل تناقض از تضاد و دخول تحت تضاد و تداخل نیز بحث می‌کند.^۵ در فصل عکس نیز از عکس مستوی و عکس نقیض موافق (روش قدما) به طور صریح، و از عکس نقیض مخالف (روش متأخرین) به صورت ضمنی بحث می‌کند؛^۶ بدین صورت که از آن نامی نمی‌برند، ولی قاعده‌اش را در کنار عکس نقیض موافق ذکر می‌کند.^۷

۱. نصیرالدین طوسی، شرح الاشارات و التنبیها، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲. همو، *الشفاء (المنطق)*، ج ۴ (سفسطه)، ص ۱۰۳.

۳. همان، ج ۴ (خطابه)، ص ۱۸۳.

۴. مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، المعجم الموضوعی لمنتخب الكتب المنطقیه، ج ۱، ص ۲۲.

۵. بهمنیار، *التحصیل*، ص ۷۹-۷۷.

۶. همان، ص ۸۷ و ۹۰-۹۲.

۷. واهتا نوع آخر من العکس یسّمی عکس النقیض وهو أن يجعل نقیض المحمول موضوعاً ونقیض الموضوع محمولاً فیقال: إذا قلنا: «کل ج ب» لزم منه ان «ما لیس ب لیس ج»، وإناً فلیکن «ما لیس ب ج» (همان، ص ۹۰).



ابوحامد محمد غزالی (۴۵۰-۵۵۰ق)^۱ محک النظر را دو قسمت نوشته است: قسمت اول در قیاس با سه فن، و قسمت دوم در حد با دو فن. قسمت قیاس کتاب او بدین قرار است: فن اول مربوط به الفاظ و معانی است. این فن سه فصل دارد. در فصل اول و دوم از دلالت و معانی مفرد بحث می‌کند و فصل سوم را به قضایا و احکام آن اختصاص می‌دهد. این فصل چهار تفصیل دارد: تفصیل اول در اقسام قضیه، تفصیل دوم در تناقض، تفصیل سوم در مواد ثلاث و تفصیل چهارم در عکس مستوی.^۲

معیار العلم فی فن المنطق غزالی نیز دارای یک مقدمه و چهار بخش است. بخش‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: «فی مقدمات قیاس»، «فی الحجج و اقسامها و فی صوره القیاس و مادته»، «فی قوانین الحدود»، «فی اقسام الوجود و احکامه». او در معیار العلم با تبویبی مشابه، تنها به همین دو مورد از استدلال‌های مباشر اشاره کرده است؛ با این تفاوت که در این اثر، عنوان مستقلی برای فصول قرار نداده و همه مباحث مربوط به قضایا را در فن سوم از بخش (کتاب) اول از این اثر خود قرار داده است.^۳

سهلان ساوی (۴۶۵-۵۵۰ق)^۴ بصائر النصیریه را متشکل از سه مقاله تدوین کرده است. مقاله اول درباره مفردات، و دارای دو فن است.^۵ مقاله دوم درباره اقوال شارح با دو فصل است. مقاله سوم نیز درباره چگونگی چینش تألیفات برای رسیدن به تصدیق است. این مقاله پنج فن دارد: فن اول در باب قضایا با نه فصل، فن دوم درباره صورت حجت‌ها با شانزده فصل، فن سوم در باب مواد قیاس، فن چهارم در باب برهان، و فن پنجم در باب مغالطات. او در این کتاب در مقاله سوم، قبل از فن حجت، در دو فصل مجزا در آخر فن قضایا با عناوین تناقض و عکس مستوی از موارد احکام قضایا نام برده و به تفصیل درباره این دو (مربع تقابل و عکس مستوی) بحث می‌کند. در این کتاب نیز عنوانی از استدلال مباشر یا احکام قضایا موجود نیست.^۶ همچنین در فصل دوازده از فن دوم (بعد از طرح اقسام قیاس) به عنوان یکی از مباحث تکمیلی قیاس، ذیل عنوان «نتایجی که تابع نتیجه قیاس هستند» از عکس نقیض (موافق) یاد می‌کند.^۷

۱. مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، المعجم الموضوعی لمنتخب الكتب المنطقیه، ج ۱، ص ۲۴-۲۵.

۲. غزالی، محک النظر، ص ۸۵-۸۹.

۳. غزالی، معیار العلم فی فن المنطق ص ۹۸ و ۱۰۳.

۴. ذکایی ساوجی، «احوال و آثار حکیم ابن سهلان ساوی»، کیهان اندیشه، ش ۴۱، ۱۳۷۱، ص ۴۵-۴۰.

۵. فن اول درباره کلیات خمس با ده فصل، و فن دوم درباره معانی مفرد مدلول کلیات خمس با دوازده فصل است.

۶. ساوی، البصائر النصیریه، ص ۲۰۹-۲۳۵.

۷. همان، ص ۳۳۰-۳۳۳.



شهاب‌الدین یحیی سهروردی معروف به شیخ اشراق (۵۴۹-۵۸۷ق)^۱ بخش منطق حکمت الاشراق وی از سه مقاله تشکیل شده که اولین آنها مربوط به تعریف (هفت ضابط)، دومی در باب حجت و مبادی آن (هفت ضابط) و سومی در باب مغالطه (دو فصل) است. وی در مقاله ثانیه، بعد از تعریف قضیه و انواع آن، در ضابط چهار از تناقض بحث می‌کند و به اقسام دیگر مربع تقابل اشاره‌ای نمی‌کند؛ در ضابط پنجم نیز تنها به عکس مستوی می‌پردازد؛ در ضابط بعد نیز بحث از انواع قیاس را شروع می‌کند. او در پایان این فصل عکس مستوی تصریح می‌کند که مطرح کردن عکس و نقیض و سوالب و... فقط فایده تنبیهی دارد و برای طرح مباحث منطق نیازی به طرح تفصیلی آن نیست.^۲

کتاب *المحاحات* او دارای سه موضوع منطق، طبیعی و مابعدالطبیعه است. قسمت منطق دارای نه «مورد» است: مورد اول در ایساغوجی (نه لمحّه)، مورد دوم در قول شارحه (سه لمحّه)، مورد سوم در قضیه (پنج لمحّه)، مورد چهارم در جهات قضایا (پنج لمحّه)، مورد پنجم در ترکیب حجج (سه لمحّه)، مورد ششم در قیاس خلف (پنج لمحّه)، مورد هفتم در اصناف حجج، مورد هشتم در مبادی اقیسه، و مورد نهم در برهان (پنج لمحّه). او در مورد چهارم (فی جهات القضایا و تصرفات فیها) ابتدا از جهات قضایا بحث می‌کند، سپس در لمحّه سوم، تناقض را توضیح می‌دهد (به اقسام دیگر مربع تقابل اشاره‌ای نمی‌کند) و در لمحّه بعدی تناقض موجهات را بیان می‌کند و در انتها، در لمحّه پنجم با عنوان عکس، از عکس مستوی سخن به میان می‌آورد.^۳

کتاب *منطق التلویحات* نیز از دیگر تألیفات اوست. این کتاب دارای شش «مرصد» است که هر مرصدی به چند «تلویح» تقسیم شده است. مرصد اول در ایساغوجی، دوم در قول شارح، سوم در ترکیب خبری (قضیه)، چهارم در جهات قضایا و احکام آن، پنجم در ترکیب حجج، و ششم در برهان است. وی در این کتاب بعد از بحث قضایا و قبل از بحث ترکیب حجج، در مرصد چهارم، بعد از سه تلویح که درباره موجهات است، در تلویح چهارم به تناقض، تضاد و دخول تحت تضاد، و در تلویح پنجم به عکس مستوی و عکس نقیض موافق (روش قدما) اشاره دارد.^۴

فخر رازی (۵۴۴-۶۰۶ق)^۵ شرح *عیون الحکمه* را تألیف کرده است. این کتاب دارای سه

۱. بخشنده بالی، *آواز عقل سرخ؛ مروری بر اندیشه‌های شیخ اشراق*، ص ۱۷ و ۲۰.

۲. سهروردی، *حکمة الاشراق*، ص ۳۰-۳۳.

۳. همو، *المحاحات*، ص ۱۶۰-۱۶۴.

۴. همو، *منطق التلویحات*، ص ۳۵-۴۵.

۵. مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، *المعجم الموضوعی لمنتخب الکتب المنطقیه*، ج ۱، ص ۳۴-۳۵.

بخش منطقیات، طبیعیات و الاهیات است. بخش منطق این کتاب مشتمل بر یک تمهید و نه فصل است: فصل اول اقسام الفاظ، فصل دوم مقولات، فصل سوم قضیه و احکام و اقسامش، فصل چهارم حجت و قیاس، و فصل پنجم تا نهم صناعات خمس. او در فصل سوم که به مجموعه مباحث مربوط به قضیه و اقسام و احکام آن اختصاص دارد، تنها از تناقض و عکس مستوی بحث می‌کند و بیش از آنکه به انواع احکام بپردازد، به جهات در تناقض و عکس مستوی اشاره می‌کند.^۱

محمد بن ناماور خونجی (۶۴۶-۵۹۰ق)^۲ کشف الاسرار عن غوامض الافکار را در ده فصل نگاهش کرده است. محتوای این ده فصل به ترتیب عبارت‌اند از: مقدمات، تعریف، قضایا، تناقض، عکس مستوی، عکس نقیض، قضایای شرطیه، قیاس، مختلطات و قیاس اقترانی شرطی.

وی پس از فصل سوم که از قضایا بحث می‌کند، سه فصل پی‌ری را به مباحث مربوط به استدلال‌ات مباشر اختصاص می‌دهد: فصل چهارم در باب تناقض، فصل پنجم در باب عکس مستوی و فصل ششم در باب عکس نقیض موافق و مخالف، و پس از این فصول سه‌گانه به بحث از قضایای شرطیه می‌پردازد.^۳ نکته حائز اهمیت اینکه مباحث مربوط به عکس نقیض در منطق خونجی نسبت به متقدمین او، تحقیقی‌تر و مفصل‌تر است. او تعاریف افراد مختلف و نقض و ابرام‌های گوناگون را طرح کرده و کوشیده است با تعریفی جدید، تعارضات موجود را حل کند.

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ق)^۴ منطق التجرید را در نه فصل نگاهشته است. او در فصل قضایا ذیل عنوان «الكلام فی التناقض و ما یجری مجراه» از هر چهار قسم اجزای مربع تقابل بحث می‌کند،^۵ در ذیل عنوان «الكلام فی العکس» به عکس مستوی و عکس نقیض موافق (روش قدما) اشاره می‌کند و بعد از آن وارد فصل قیاس می‌شود.^۶ دو نکته در طرح خواجه در منطق تجرید قابل اعتناست: اولاً خواجه برای به دست آوردن الگوی عکس نقیض، از اجرای متوالی عکس مستوی و نقض محمول استفاده می‌کند و چنان‌که خواهد آمد، این کار او الگو و الهام‌بخش محققان معاصر در این زمینه شده است؛

۱. فخر رازی، شرح عبون الحکمه، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۶۰.

۲. مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، المعجم الموضوعی لمنتخب الکتب المنطقیه، ج ۱، ص ۳۶-۳۷.

۳. خونجی، کشف الاسرار عن غوامض الافکار، ص ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۴۷ و ۱۶۰.

۴. حسینی و میناگر، آشنایی با فیلسوفان مسلمان؛ خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۱۵ و ۶۸.

۵. علامه حلی، الجوهر النضید، ص ۷۲-۸۲.

۶. همان، ص ۸۳-۹۷.



ثانیاً خواهی‌عملاً از قاعدهٔ «نقض محمول» استفاده می‌کند و آن را صحیح می‌داند. وی برای حل مشکل اعمیت سالبه از وجیه، موضوع را برای سالبه‌ها مفروض می‌گیرد و از این طریق، اخصیت وجیه را از بین می‌برد و رابطهٔ تلازمی دوطرفه میان سالبه و وجیه برقرار می‌کند. علامه حلی ذیل این قسمت، این تلازم را از طریق قیاس خلف اثبات می‌کند.^۱

اساس الاقتباس نیز از دیگر تألیفات منطقی خواهی‌عملاً است. این کتاب به مقالات، فصول و فنون مختلف تقسیم شده است که عبارت‌اند از مقالات اول در مدخل منطوق، مقالت دوم در مقولات عشره، مقالت سیوم در عبارات، مقالت چهارم در علم قیاس، مقالت پنجم در برهان، مقالت ششم در جدل، مقالت هفتم در مغالطه، مقالت هشتم در خطابت، و مقالت نهم در شعر. وی در مقالت سوم که به عبارت (قضیه) اختصاص دارد، دو «فن» آورده است: «فن اول در معرفت اقوال جازمه و احوال انواع و اصناف قضایا» که شانزده فصل است و «فن دوم در جهات قضایا و اعتبار آن در ابواب تناقض و عکس و آنچه به آن تعلق دارد» که یازده فصل است. او در فصل یازدهم از فن اول اقسام تقابل را به طور کامل شرح می‌دهد.^۲ البته او در متن این فصل، داخلان تحت تضاد را به طور مجزا تعریف نمی‌کند، ولی در نمودار مربع تقابل، آن را می‌آورد.^۳ وی در فصل هشتم فن دوم، تناقض در وجهات را توضیح می‌دهد و در فصل نهم عکس مستوی و عکس نقیض موافق (قدما) را تعریف می‌کند و سپس عکس مستوی را مفصلاً توضیح می‌دهد؛ فصل ده را نیز به عکس نقیض اختصاص می‌دهد و در فصل بعدی، نقیض و عکس قضایای شرطی را بیان می‌کند.^۴

وی در ابتدای فصل نهم فن دوم همین «مقالت» به تبویب عکس در کتب قدما نیز اشاره دارد و بیان می‌کند: «و قدما عکس در کتاب قیاس آورده‌اند؛ چه عکس مستوی از مقدمات بیان بعضی قیاسات است؛ چنانکه بعد از این معلوم شود؛ و متأخران بسبب آنک این بحث تعلق به قضایای مفرده دارد، با این باب مناسب‌تر شمرده‌اند». این عبارت، تصریحی است بر یک تحول در تبویب استدلالات مباشر و فلسفهٔ بحث از عکس مستوی. عکس مستوی به دلیل اینکه در اثبات سه شکل غیر بدیهی قیاس اقترانی کاربرد داشته، به عنوان مقدمهٔ بحث قیاس

۱. همان، ص ۹۵.

۲. نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، ص ۹۹.

۳. خواهی‌عملاً از عنوان «داخلان تحت تضاد» یک بار دیگر در متن اساس استفاده کرده و آن نیز در فصل دوازدهم همین فن است. در بحث اعتبار قطر: «... اگر در ایجاب یا در سلب متفق باشند متداخل باشند - و الا یا متضاد یا داخلان تحت التضاد - چنانکه گفته آمده است...» (نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، ص ۱۱۰).

۴. نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، ص ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۷.

۵. همان، ص ۱۴۹.

مطرح، ولی از نظر شباهت به بحث تقابل، در کنار آنها و در بحث قضایا مطرح می‌شده است و چنان‌که خواجه نیز آورده است، عکس مستوی مربوط به قضایای مفرد است، نه مرکب که قیاس باشد. تبویب اولیه‌ای که خواجه به آن اشاره کرده، مربوط به ارسطوست (همان‌طور که پیش‌تر گذشت) و بوعلی نیز در *شفا* از وی تبعیت کرده است. اما ابن سینا در *اشارات* به شیوه‌ای نو عمل کرده است که خواجه آن را با عنوان «متأخران» بیان می‌کند.

خواجه در ذیل بحث عکس در *تعديل المعيار في نقد تنزيل الافكار* می‌گوید:
غرض منطقدانان از طرح عکس مستوی، نیازشان به ردّ قیاس‌های غیرکامل به قیاس کامل بوده است. مگر عکس از مطالب اصلی منطقی که هویتی اصالی داشته باشد، نیست؟ به دلیل همین نیاز آلی و ابزاری، منطقدانان بحث عکس مستوی را در ابتدای بحث قیاس مطرح می‌کردند؛ چراکه به نوعی مقدمه بحث قیاس محسوب می‌شود. از طرفی هرچند عکس نقیض از جهت هویت ذاتی، شبیه عکس مستوی است و کارکرد آن را دارد، اما چون جنبه مقدمی برای قیاس ندارد، منطقدانان در اواخر بحث قیاس و به عنوان لواحق آن طرح کرده‌اند.^۱

نتیجه بررسی این دوره زمانی

۱. **انسجام‌پذیری:** یکی از تحولات در این دوره، انسجام مباحث احکام قضایاست؛ زیرا این مباحث ابتدا در فصول پراکنده بحث می‌شدند و به نوعی از *اشارات* ابن سینا انسجام مباحث جدی می‌شود؛
۲. **جایگاه در تبویب:** چنین مسائلی را معمولاً در انتهای مباحث قضایا و قبل از قیاس بحث می‌کردند؛
۳. **موارد محوری:** تمرکز اصلی روی عکس مستوی و تناقض است و کمتر به اقسام دیگر تقابل و عکس اشاره می‌شود؛ یعنی مهم‌ترین موارد از اقسام احکام قضایا که منطقدانان عنایت بیشتری به طرحشان داشته و بلااستثنا آنها را طرح کرده‌اند، تناقض و عکس مستوی است؛
۴. **عنوان مخصوص:** هیچ‌کدام از منطقدانان، عنوان مجزایی هم‌عرض مباحث دیگر برای احکام قضایا انتخاب نکرده‌اند. البته ابن سینا در *اشارات* نهجی را هم‌عرض نهج‌های دیگر به تناقض و عکس اختصاص داده، ولی عنوان دیگری برای آن قرار نداده است؛
۵. **عکس نقیض مخالف:** عکس نقیض مخالف، بحث محوری و اصلی منطقدانان نیست و به دلیل کم‌ثمری آن، با رویکرد کاربردی، بسیار محدود بررسی می‌شود و اگر در این دوره مطرح شده، به صورت ضمنی و در کنار عکس نقیض موافق مطرح گردیده است.

۱. نصیرالدین طوسی، *تعديل المعيار في نقد تنزيل الافكار*، ص ۱۸۳.



جدول نتایج بررسی کتب در یک نگاه

نویسنده	کتاب	انسجام آیا موارد در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند؟	عنوان مخصوص آیا عنوانی برای این مباحث اختصاص داده شده است؟	موارد
ارسطو	ارغنون	x	x	تناقض و تضاد (در کتاب عبارت) عکس مستوی (در مقدمه کتاب قیاس)
فارابی	المنطقیات	x	x (ذیل بحث قیاس، بعد از ذکر قضیه و قبل قیاس، در فصولی مجزا و در کتاب تحلیل و مغالطه)	تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد، تداخل (۳ فصل) عکس مستوی (افصل) عکس نقیض موافق رد قانون برقلس (نقض محمول)
ابن زرعه	منطق ابن زرعه	-	x (ذیل مباحث قضایا)	تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد
ابن سینا	شفا	x	x	تناقض، تضاد، تداخل، دخول تحت تضاد (در کتاب عبارت) عکس مستوی (در مقدمه کتاب قیاس) عکس نقیض موافق (در دل مباحث عکس مستوی) عکس نقیض مخالف (به صورت ضمنی در قالب مثال)

جایگاه‌شناسی احکام قضایا در میان منطقدانان مسلمان

تناقض (دیگر موارد تقابل به صورت ضمنی) و عکس مستوی	x (نهجی اختصاصی هم‌عرض نهج‌های دیگر)	✓	اشارات	
تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد، تداخل عکس مستوی و عکس نقیض موافق (و مخالف ضمناً)	x (ذیل مباحث قضایا - با فصولی مجزا)	✓	التحصیل	بهمنیار
تناقض عکس مستوی	x (ذیل مباحث قضایا)	✓ با یک فصل فاصله	محک النظر	غزالی
تناقض عکس مستوی	x (ذیل مباحث مقدمه قیاس (قضایا))	✓	معیار العلم	
تناقض و دیگر افراد مربع تقابل عکس مستوی (در فصول مجزا) عکس نقیض موافق (در ضمن یکی از فصول پایانی بحث حجت)	x (ذیل فن قضایا و قبل فن حجه)	✓	بصائر النصیریه	ساوی
تناقض عکس مستوی (در ضابطه‌های مجزا)	x (ذیل حجه - بعد قضایا و قبل قیاس)	✓	حکمه الاشراق	شیخ اشراق
تناقض عکس مستوی (فصول مجزا)	x (ذیل مباحث جهات که بعد از قضیه و قبل حجه قرار داد)	✓	اللمحات	
تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد (یک فصل) عکس مستوی و نقیض	x (ذیل مباحث جهات که بعد از قضیه و قبل حجه قرار داد)	✓	التلویحات	



موافق (یک فصل)				
تناقض عکس مستوی	✘ (ذیل قضایا)	✓	شرح عیون الحکمه	فخر رازی
تناقض عکس مستوی عکس نقیض موافق و مخالف	✘ (فصول مجزا و اصلی، هم عرض قضایا و قیاس)	✓	کشف الاسرار	خونجی
تناقض و ملحقات عکس مستوی و عکس نقیض موافق	✘ (فصول مجزا ذیل قضایا)	✓	منطق التجربید	خواجه طوسی
تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد، تداخل عکس مستوی و عکس نقیض موافق	✘ (فصول مجزا ولی پراکنده)	✓	اساس الاعتباس	

۲-۴. از کاتبی قزوینی تا مظفر

کاتبی قزوینی (۶۰۰-۶۷۵ق)^۱ رساله الشمسیه را تألیف کرده است. این کتاب دارای یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه است. مقاله اول در باب مفردات با چهار فصل است. مقاله دوم در باب قضایا و احکام آن بوده، یک مقدمه و سه فصل دارد. مقاله سوم نیز با پنج فصل به قیاس اختصاص دارد.

او در مقاله دوم که به بحث قضایا و احکام آن اختصاص دارد، ابتدا در یک مقدمه قضیه را تعریف، و اقسام اولیه آن را بیان می‌کند؛ سپس در فصل اول، قضایای حملیه و اجزای آن را ذکر می‌کند و بعد از آن در فصل دوم، قضیه شرطیه و اقسام آن را بررسی می‌کند و بعد از این دو فصل، فصلی مجزا به نام «فی احکام القضايا» می‌آورد. او در این فصل چهار مبحث ذکر می‌کند: مبحث اول در تناقض، مبحث دوم در عکس مستوی، مبحث سوم در عکس نقیض و در مبحث چهارم نیز به اختصار به تلازم شرطیات اشاره می‌کند. او عکس نقیض را به معنای عکس نقیض مخالف (روش متأخرین) می‌گیرد.^۲

۱. قطب‌الدین رازی، تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الرساله الشمسیه، ص ۴.

۲. همان، ص ۳۲۳-۳۷۸.

تفاوت عملکرد کاتبی با منطقدانان قبل از خود در این است که اولاً برای مباحث احکام قضایا با عنوان مجزای «احکام قضایا» عنوان می‌زند؛ ثانیاً عکس نقیض را به معنای عکس نقیض مخالف (روش متأخرین) می‌گیرد.

قطب‌الدین شیرازی (۶۳۴-۷۱۰ق) ^۱ در *درة التاج* را تألیف کرده است. این اثر به سان دائرةالمعارفی است که اقسام حکمت عملی و نظری را در بر می‌گیرد. جلد دوم این کتاب به منطق اختصاص دارد. این مجلد از هفت «مقاله» تشکیل شده و هر مقاله، مجموعه‌ای از «تعلیم»‌هایی را در بر دارد که خود از فصولی تشکیل شده‌اند. مقاله اول مربوط به کلیات علم منطق و ماهیت و موضوع و فایده آن است. مقاله دوم بحث از تصورات است. مقاله سوم در قضایا و اقسام آنهاست. مقاله چهارم در لوازم و احکام قضایاست. این مقاله متشکل از چهار تعلیم است. مقاله پنجم و ششم در تعریف و اقسام حجت و قیاس و لواحق آن است و مقاله هفتم نیز مربوط به صناعات خمس می‌باشد.

او در این کتاب، در مقاله سوم بخش منطق، از قضایا و اقسام آن بحث می‌کند. سپس در مقاله چهارم و پیش از مقاله پنجمش که به تعریف قیاس و حجت اختصاص دارد، به صورت مستقل از لوازم و احکام قضایا صحبت به میان می‌آورد. او بعد از تعلیم اول این مقاله که به تلازم و تعاند شرایط بسیطه و مختلطه مربوط است، در تعلیم دوم، تناقض، تضاد، تداخل و دخول تحت تضاد را ذکر می‌کند؛ در تعلیم بعدی مستقلاً به عکس مستوی می‌پردازد و در تعلیم چهارم، عکس نقیض را بحث می‌کند. منظور وی از عکس نقیض، عکس نقیض موافق (روش قدما) است.^۲

علامه حلی (۷۲۶-۶۴۸ق)^۳ در *القواعد الجلیه* که در شرح شمسیه نگارش یافته است، تنها به شرح مواردی که کاتبی به آنها توجه داشته است، قناعت می‌کند؛ اما در عکس نقیض به روش قدما نیز اشاره دارد.^۴

قطب‌الدین رازی (۷۶۶-۶۹۴ق)^۵ *لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار* معروف به شرح مطالع را نوشته است. این اثر به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: تصورات و تصدیقات. بخش تصدیقات از سه باب تشکیل شده است: باب اول در اقسام قضیه و اجزا و احکام آن، باب

۱. مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، المعجم الموضوعی لمنتخب الکتب المنطقیه، ج ۱، ص ۴۰.

۲. قطب‌الدین شیرازی، *درة التاج*، ص ۴۰۴-۴۱۴.

۳. مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، المعجم الموضوعی لمنتخب الکتب المنطقیه، ج ۱، ص ۴۲.

۴. علامه حلی، *القواعد الجلیه فی شرح الرساله الشمسیه*، ص ۲۸۹-۳۲۶.

۵. مرکز پژوهشی دائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، المعجم الموضوعی لمنتخب الکتب المنطقیه، ج ۱، ص ۴۵.

دوم در بحث قیاس و باب سوم درباره قیاس اقترانی شرطی. باب اول این بخش متشکل از یازده فصل است.

در باب اول از بخش تصدیقات این کتاب، بعد از ذکر اقسام و اجزا و جهات قضیه، در فصل هفتم تناقض قضایا، در فصل هشتم عکس مستوی، و در فصل نهم عکس نقیض را ذکر می‌کند؛ سپس به بحث از قضیه شرطیه و اقسام آن می‌پردازد. او از مربع تقابل تنها به تناقض اکتفا می‌کند و در عکس نقیض، هم به عکس نقیض مخالف اشاره دارد و هم به عکس نقیض موافق.^۱

وی در *تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الرساله الشمسیه* نیز به تبع کاتبی در فصل تناقض، به بیش از تناقض نمی‌پردازد؛ هرچند در ضمن شرح و با بیان مثال و بدون اینکه نامی ببرند، به حالت و حکم تضاد و دخول تحت تضاد اشاره می‌کند؛ به عکس مستوی هم اشاره کرده است و در بحث عکس نقیض به عکس نقیض موافق (روش قدما) نیز اشاره دارد.^۲

مسعود بن عمر تفتازانی (۷۲۲-۷۹۲ق)^۳ اثری دارد به نام *تهذیب المنطق و الکلام*. این کتاب شامل دو قسمت است: یکی منطق، مشهور به «تهذیب المنطق» و دیگری کلام، مشهور به «تهذیب الکلام» که از هر یک از دو قسمت به طور مستقل استفاده شده است. تهذیب المنطق شامل مقدمه، دو مقصد (بخش) در چهارده فصل، و خاتمه است. مقدمه تهذیب المنطق، درباره تقسیم علم به تصور و تصدیق، و اقسام هر یک از آنها و شناسایی اجمالی منطق است. مقصد اول مشتمل است بر چهار فصل و مقصد دوم مشتمل است بر ده فصل در مبحث قضایا، اقسام اولیه و ثانویه قضایا، احکام و نسبت بین قضایا و بحث از روش‌های سه‌گانه استدلال (قیاس و اقسام آن، استقراء، تمثیل) و مبحث صناعات خمس؛ سپس خاتمه‌ای درباره اجزای سه‌گانه علوم، یعنی موضوعات و مبادی و مسائل، و نیز بررسی رئوس ثمانیه علم آمده است.

تفتازانی در مقصد دوم تهذیب المنطق که بحث تصدیقات است، بعد از تعریف قضیه و انواع آن، در یک فصل، از مربع تقابل، تنها به تناقض اشاره می‌کند؛ سپس در فصل بعدی عکس مستوی، و در فصل بعدی عکس نقیض موافق (قدما) و عکس نقیض مخالف (متأخران) را بیان نموده، از فصل بعدی نیز قیاس را آغاز می‌کند.^۴ لازم به ذکر است که وی برای این فصول عنوانی نمی‌آورد و تصریحی بر عناوین فصل ندارد. بعید نیست اشاره وی بر عکس نقیض مخالف، به دلیل شاگردی قطب رازی باشد.

۱. قطب‌الدین رازی، *شرح المطالع فی المنطق*، ص ۱۶۶-۲۰۰.

۲. همو، *تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الرساله الشمسیه*، ص ۳۲۳-۳۷۸.

۳. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، *دانشنامه جهان اسلام*، ص ۳۶۷۰.

۴. یزدی، *حاشیه ملاعبده الله علی التهذیب*، ص ۱۲۶، ۱۳۵ و ۱۴۸.

ملا عبدالله یزدی (؟-۹۸۱ق) در کتاب *الحاشیة ملا عبدالله علی التهذیب* - کتابی که در شرح *التهذیب* نوشته شده و سالیان دراز متن درسی حوزه‌های علمیه بوده است - برای فصول *التهذیب*، عناوین مناسبی می‌آورد. در این کتاب به تبع تفتازانی، سه فصل مربوط به مباحث استدلال مباشر است. این سه فصل بعد از تعریف قضایا و اقسام آن است. یزدی در فصل تناقض به بیش از تناقض نمی‌پردازد؛ هرچند در ضمن شرح و با بیان مثال و بدون اینکه نامی ببرد، به حالت و حکم تضاد و دخول تحت تضاد اشاره می‌کند. او در عکس مستوی و عکس نقیض نیز به شرح بیانات تفتازانی می‌پردازد و اقسام عکس را به صورت کامل (مستوی، نقیض موافق، نقیض مخالف) بیان می‌کند.^۱

ملاصدرا (۹۸۰ یا ۹۷۹-۱۰۴۵ق)^۲ اثر مختصری در منطق دارد به نام *اللمعات المشرقیة فی الفنون المنطقیة* که در برخی تصحیح‌ها با عنوان *التنقیح فی المنطق* چاپ شده است. این اثر مشتمل بر نه اشراق است و هر اشراق در ضمن چند لمعه تنظیم شده است.

اشراق اول بحث ایساغوجی (یک مقدمه و ده لمعه)؛ اشراق دوم قول شارح (دو لمعه)؛ اشراق سوم بادیرمیناس (شش لمعه)؛ اشراق چهارم جهات قضایا و تصرفات در آنها (هفت لمعه)؛ لمعه اول و خوب، امکان و امتناع؛ لمعه دوم تقسیمات جهات قضایا؛ لمعه سوم بازگشت قضایا به موجبه کلیه ضروریه؛ لمعه چهارم تناقض و شرایط آن؛ لمعه پنجم شرط وحدت حمل در تناقض؛ لمعه ششم عکس و اقسام و شرایط آن؛ لمعه هفتم عکس نقیض؛ اشراق پنجم ترکیب دوم؛ اشراق ششم قیاس خلف؛ اشراق هفتم اقسام دلایل؛ اشراق هشتم برهان (چهار لمعه)؛ اشراق نهم سوفسطیقا یا مغالطه.

ملاصدرا اشراق چهارم این اثر خود را «جهات القضايا و تصرفات فیها» عنوان زده است که بعد از بحث تعریف و اقسام قضایا و قبل از بحث قیاس و انواع آن قرار دارد. او در سه لمعه اول از جهات بحث می‌کند و در لمعه چهارم به تناقض و شرایط آن اشاره دارد و برای شخصیه‌ها نیز تناقض قائل است که تنها کیف دو قضیه شخصیه باید متفاوت باشد. در لمعه پنجم شرط وحدت حمل در تناقض، در لمعه ششم عکس مستوی و اقسام و شرایط آن، و در نهایت در لمعه هفتم عکس نقیض موافق (روش قدما) را بیان می‌کند.^۳

به نظر می‌رسد ملاصدرا در این کتاب بر طبق روش شیخ اشراق، سعی در مختصرسازی

۱. همان ۱۳۹۰، ص ۱۲۶، ۱۳۵ و ۱۴۸.

۲. آشتیانی، شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا، ص ۲۲؛ سهرابی فر، عقل و عشق؛ مرور بر زندگی و اندیشه ملاصدرای شیرازی، ص ۱۱ و ۴۲؛ عبودیت، خطوط کلی حکمت متعالیه، ص ۴۳ و ۴۴.

۳. صدرالمتهلین، *اللمعات المشرقیة فی الفنون المنطقیة*، ص ۱۹-۲۱.

قواعد دارد و ذکر اشکال مختلف را لازم نمی‌داند. او در انتهای لمعه هفتم تصریح می‌کند: «... والقاعدة الإشراقية أغنت من تعدد أصناف كثيرة كما أشرنا إليه»^۱.
ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹ ق)^۲ در قسمت منطق شرح منظومه بعد از مباحث مربوط به قضیه و قبل از قیاس، بعد از توضیح موجهات، تناقض را توضیح می‌دهد. وی در اشعار و شرح خویش به تناقض، تضاد و دخول تحت تضاد اشاره می‌کند:

نقیض کل رفع أو مرفوع - تعمیم رفع لهما مرجوع

بدل بالتضاد أو تحت متی - فی کیف لا فی الکم قد خالفتا

سپس عکس مستوی را توضیح می‌دهد:

بالمستقیم المستوی العکس دعی - تبدیل جزای القضية رعی

و در آخر نیز عکس نقیض موافق و مخالف را بیان می‌کند:

نقیضی الجزءین بدل إن تشأ - عکس النقیض الصدق والکیف بقاء

سپس به بحث از قیاس می‌پردازد. وی نیز هیچ اشاره‌ای به عنوان استدلال مباشر ندارد.^۳

نتیجه بررسی این دوره زمانی

۱. تصریح به عنوان مجزا و خروج از مباحث باب قضیه و ایجاد بابی مجزا با عنوان احکام قضایا در این دوره است و این کار با سرسلسله این دوره، کاتبی قزوینی، آغاز می‌شود؛
۲. جایگاه این فصل بعد از قضیه و قبل از قیاس تثبیت می‌شود؛
۳. علاوه بر تناقض و عکس مستوی، عکس نقیضها نیز به صورت جدی وارد کتب می‌شود و حتی عکس نقیض مخالف در برخی کتب، مهم‌تر از عکس نقیض موافق (روش قدما) پی گرفته می‌شوند.

۱. همان، ص ۲۱.

۲. سبزواری، اللئالی المنتظمة، ص ۱۶.

۳. سبزواری، شرح المنظومه، ج ۱، ص ۲۵۷ و ۲۵۶.

جدول نتایج بررسی کتب در یک نگاه				
نویسنده	کتاب	انسجام آیا موارد در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند؟	عنوان واحد آیا عنوانی برای این مباحث اختصاص داده شده است؟	موارد
کاتبی	شمسیه	✓	✓ (فی احکام القضا یا - هر کدام در فصل مجزا)	تناقض عکس مستوی عکس نقیض مخالف
قطب‌الدین شیرازی	دره التاج	✓	✓ (لوازم و احکام قضا یا - هر کدام در فصل مجزا)	تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد، تداخل عکس مستوی عکس نقیض موافق
علامه حلی	القواعد الجلیه	✓	✓ (فی احکام القضا یا - هر کدام در فصل مجزا)	تناقض عکس مستوی عکس نقیض موافق و مخالف
قطب رازی	شرح مطالع	✓	x (ذیل قضا یا - در فصول مجزا)	تناقض عکس مستوی عکس نقیض موافق و مخالف
	تحریر القواعد المنطقیه	✓	✓ (فی احکام القضا یا - هر کدام در فصل مجزا)	تناقض (و به صورت ضمنی تضاد و دخول تحت تضاد) عکس مستوی عکس نقیض موافق و مخالف

تفاضل عکس مستوی عکس نقیض موافق و مخالف	x (هم عرض قضیه و قیاس - در فصول مجزا)	✓	التهدیب	تفتازانی
تبعیت از تفتازانی + بیان تضاد و دخول تحت تضاد ضمن مثال	x (هم عرض قضیه و قیاس - در فصول مجزا + نام گذاری)	✓	الحاشیه	ملا عبدالله
تفاضل عکس مستوی عکس نقیض موافق	✓ (جهت و احکام قضایا - هم عرض قضیه و قیاس - هر کدام در فصل مجزا)	✓	التنقیح	ملاصدرا
تفاضل، تضاد، دخول تحت تضاد عکس مستوی عکس نقیض موافق و مخالف	✓ (جهت و احکام قضایا - هم عرض قضیه و قیاس - هر کدام در فصل مجزا)	✓	منظومه	ملاهادی

۳-۴. نظر مرحوم مظفر

محمد رضا مظفر (۱۳۲۲-۱۳۸۳ق) المنطقی را در یک مقدمه و شش باب تدوین کرده است و هر بابی نیز از فصولی تشکیل شده است. باب اول تا سوم دربارهٔ مباحث تصورات است. باب چهارم که اولین باب در بحث تصدیقات است، عنوان «قضایا و احکام آن» گرفته است. باب پنجم دربارهٔ مباحث استدلال، و باب ششم نیز مربوط به صناعات خمس است. باب چهارم از دو فصل تشکیل شده است که در فصل اول قضایا و اقسام آن و وجهات بررسی می‌شود، و فصل دوم «احکام قضایا یا نسبت بین آنها» عنوان دارد. مظفر در این فصل ابتدا تناقض را طرح می‌کند و سپس ملحقات آن را ذکر می‌نماید و بدین ترتیب به کل اقسام مربع تقابل می‌پردازد. بعد از اتمام تقابل، با عنوان جدیدی، عکس را آغاز کرده، عکس مستوی را شرح می‌دهد و سپس به عکس نقیض می‌پردازد و هر دو قسم آن (موافق و مخالف) را ذکر می‌کند؛ سپس عنوان جدیدی ذکر می‌کند و به عنوان ملحقات عکس، نقض را اضافه می‌نماید. نقض نیز سه نوع دارد: نقض موضوع، نقض محمول و نقض طرفین (تام). او تلاش دارد که هر کدام از قواعدی را که از عکس و نقض ذکر می‌کند، با برهان اثبات کند.^۱

۱. مظفر، المنطق، ص ۲۱۸-۲۵۶.

وی پس از معرفی کامل تناقض، عکس و نقض، مطلب جدیدی را تحت عنوان «بدیهی منطقی یا استدلال مباشر بدیهی» می‌آورد. در این قسمت ابتدا نام جدیدی بر احکام قضایا می‌گذارند و سپس دربارهٔ بدیهی منطقی صحبت می‌کنند. در مجموع به نظر می‌رسد وی استدلال مباشر را نیز دو نوع می‌داند: غیر بدیهی که به صورت کامل بیان گردید (که عبارت باشد از تقابل و عکس و نقض)، و بدیهی که او احتیاجی به شرح کامل آن نمی‌بیند. به نظر می‌رسد مظفر با توجه به نظارتی که بر منطق جدید داشته است، در این قسمت ناظر بر شبههٔ دمورگان در باب ناکارآمدی منطق اسلامی در ارائهٔ استدلال برای قسمی از قضایا بوده است. وی با ارائهٔ چنین تقسیمی، امثال بدیهیات ریاضی را از نوع استدلال مباشر بدیهی معرفی می‌کند.^۱

او در ابتدای این قسمت بیان می‌کند:

جميع ما تقدم من احكام القضايا (النقيض والعكوس والنقض) هي من نوع الاستدلال المباشر بالنسبة الى القضية المحولة ... وسميناها مباشرة لأن انتقال الذهن الى المطلوب أعنى كذب القضية أو صدقها إنما يحصل من قضية واحدة معلومة فقط بلا توسط قضية أخرى.^۲

بدین ترتیب او احکام قضایا را از نوع استدلال مباشر می‌داند و آنها را به این نام، نام‌گذاری می‌کند؛ دلیل آن را نیز عدم دخالت قضیهٔ سوم در نتیجه‌گیری که بین احکام قضایاست می‌داند.

تمایز کار وی از قدما در این موارد است: جای دادن جدی احکام قضایا به عنوان بایی از ابواب منطقی؛ طرح مباحث «نقض» که تا قبل از وی یافت نمی‌شد؛^۳ ابداع اسم «استدلال مباشر» که موجب شد از بعد از او استدلال به دو نوع مباشر و غیر مباشر تقسیم شود. به عبارتی وی با این نام‌گذاری برای احکام قضایا جنبهٔ استدلالی قائل شد و این نوع توجه به احکام قضایا، با برخورد قدمای منطقی - نظیر ارسطو - با این بحث، بسیار متفاوت است. وی با تدوین کتاب المنطق تحولی در مباحث استدلال مباشر ایجاد کرد. گرچه شاید وی را یک منطقی درجه یک به شمار نیاورند، اما به دلیل درسی بودن کتاب وی و اینکه این اثر از زمان تألیف تا کنون متن درسی حوزه‌های علمیه و مجامع دانشگاهی بوده است، نظریات او

۱. «وقد تقدم البرهان على كل نوع من أنواع الاستدلال المباشر. وبقي نوع آخر منه بدیهی لا يحتاج الى أكثر من بيانه. وقد يسمى (البدیهية المنطقيه)».

۲. رک: عظیمی، «نقدی بر استدلال مباشر»، معرفت فلسفی، سال چهارم، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۰۳-۱۰۵.

۳. مظفر، المنطق، ص ۲۵۶.

۴. رک: سلیمانی امیری، معیار دانش، ص ۴۰۷؛ فلاحی، منطق تطبیقی، ص ۱۹۶.

در این کتاب برای نسل بعد از وی تا امروز به عنوان نظر متعارف برای منطق‌آموزان و منطق‌دانان، مطرح است و نظریات منطق‌نویسان بعد از وی شاهدهی بر این مدعاست؛ چرا که اکثر تحولات وی در کتب آنها منعکس شده است که در ادامه برای اثبات این مدعا به آنها اشاره می‌شود.

به نظر می‌رسد آشنایی ایشان با منطق جدید موجب این تحول شده است^۱ و تلاش وی برای پاسخ دادن به شبهه دموورگان، مؤیدی برای این مدعاست.

۴-۴. بعد از مرحوم مظفر

میرزا محمود مجتهد شهابی خراسانی (۱۲۸۲-۱۳۵۶ش) در فهرست کتاب رهبر خرد، محتوای کتاب را به بیست قسمت هم‌عرض تقسیم کرده است: قسمت اول تا نهم مربوط به مسائل مقدماتی و منطق تعریف است؛ قسمت دهم مربوط به قضایا، قسمت یازدهم مربوط به تقابل، دوازدهم تناقض، سیزدهم عکس، و چهاردهم تا بیستم مربوط به حجت و اقسام آن است.^۲ او در قسمت یازدهم ابتدا تقابل مفهومی را طرح می‌کند و در ادامه، مناسبات میان قضایا را مطرح، و مربع تقابل را بیان می‌کند. به دلیل اهمیت اختصاصی بحث تناقض، این بحث را به صورت مجزا در قسمت دوازدهم به صورت مبسوط بیان می‌کند و شروط آن را ذکر می‌نماید. او در قسمت سیزدهم عکس مستوی، عکس نقیض موافق و عکس نقیض مخالف را مطرح می‌کند.

شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ش) در کتاب کلیات علوم اسلامی قسمت منطق،^۳ پس از طرح یک مقدمه (یک درس)، ابتدا طی شش درس، منطق تصورات را طرح می‌کند و سپس بحث تصدیقات را آغاز می‌نماید. وی پس از دو درس که به بررسی قضایا و اقسام آن پرداخته است، درس نهم را با عنوان «احکام قضایا» می‌آورد که این درس با درس دهم تکمیل می‌شود. وی در درس نهم پس از طرح مقدمه‌ای در باب نسبت بین قضایا و پس از طرح نسبت‌های تباین و تساوی و تشابه، به تقابل می‌پردازد و اقسام آن را بیان می‌کند. او در درس دهم، ابتدا جایگاه مهم اصل تناقض را بیان می‌کند و در انتها به هر سه نوع عکس اشاره می‌نماید.^۴

۱. فلاحی، منطق تطبیقی، ص ۱۹۶.

۲. شهابی خراسانی، رهبر خرد، ص ۱۶۱۰.

۳. درس اول (مقدمه) مقصود از «علوم اسلامی» چیست؟، درس دوم علم منطق، درس سوم موضوع منطق، درس چهارم تصور و تصدیق، درس پنجم کلی و جزئی، درس ششم حدود و تعریفات، درس هفتم (بخش تصدیقات) قضایا، درس هشتم تقسیمات قضایا، درس نهم احکام قضایا، درس دهم تناقض - عکس، درس یازدهم قیاس، درس دوازدهم اقسام قیاس، درس سیزدهم ارزش قیاس، درس چهاردهم ارزش قیاس، درس پانزدهم ارزش قیاس، درس شانزدهم صناعات خمس.

۴. مطهری، کلیات علوم اسلامی (۱) منطق - فلسفه، ص ۶۲-۷۳.

به نظر می‌رسد مطهری بیش از آنکه تابع مظفر باشد، شبیه ملاعبدالله طرح بحث کرده و نه به نقض‌ها اشاره‌ای دارد و نه به عنوان «استدلال مباشر».

محمد خوانساری (۱۳۰۰-۱۳۸۸ش) *منطق صوری* را در دو جلد تألیف کرده است. جلد اول که مباحث تعریف است و سه بخش دارد و جلد دوم در منطق تصدیقات و دارای سه بخش است: بخش اول در قضایا، بخش دوم در حجت و استدلال، و بخش سوم در قیاس از نظر ماده. در بخش اول انواع و اقسام قضیه را تعریف و بیان می‌کند و به عنوان آخرین مباحث در این بخش، ابتدا به انواع عکس اشاره می‌کند و عکس مستوی و عکس نقیض موافق و عکس نقیض مخالف را مطرح می‌نماید؛ سپس به تقابل اشاره دارد و اقسام کامل مربع تقابل را ذکر می‌کند.^۱

احد فرامرز قراملکی *منطق* ۱ پیام نور در شش فصل، و هر فصل را در بخش‌هایی تدوین کرده است: فصل اول در تعریف منطق، فصل دوم تا چهارم مربوط به منطق تصورات و مباحث الفاظ، فصل پنجم در مباحث قضایا و در نهایت، فصل ششم با عنوان «منطق استنتاج استدلال‌های مباشر». نکته مهم این است که او عنوان استدلال مباشر را از مظفر گرفته و در مقدمه کتاب به عنوان اولین ویژگی این کتاب بر این نکته تصریح دارد.^۲

وی در فصل ششم به تبع مظفر، تمامی اقسامی را که ایشان در *المنطق* ذکر کرده است (تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد، تداخل، عکس مستوی، عکس نقیض موافق، عکس نقیض مخالف، نقض موضوع، نقض محمول، نقض تام)، ذکر می‌کند.^۳

محمود منتظری مقدم منطق ۲ مرکز مدیریت حوزه را در بخش‌هایی، و هر بخش را متشکل از فصل‌ها، و هر فصل را از دروسی تدوین کرده است. بخش اول چستی منطق، بخش دوم منطق تصورات و بخش سوم منطق تصدیقات. بخش سوم کتاب وی از چهار فصل تشکیل شده است: فصل اول در مقدمات روش درست استدلال که به بحث درباره قضایا می‌پردازد (با چهار درس)؛ فصل دوم در روش درست استدلال مباشر (با چهار درس)؛ فصل سوم در روش درست استدلال غیر مباشر به لحاظ صورت؛ فصل چهارم در روش درست استدلال غیر مباشر به لحاظ ماده.

او در فصل سوم این بخش، در درس اول، حالات رابطه‌ای دو قضیه را - بنا بر شباهت

۱. خوانساری، *منطق صوری*.

۲. «مباحثی که در کتب متداول منطق به نام احکام قضایا نامیده می‌شوند، در این نوشتار با عنوان استدلال مباشر (همان‌گونه که مرحوم مظفر نامیده است)، و به عنوان بخشی از منطق استدلال آمده است» (فرامرز قراملکی، *منطق* ۱، مقدمه، ص شانزده).

۳. فرامرز قراملکی، *منطق* ۱، ص ۱۶۹-۱۷۹.

موضوع و محمول - تباین، تشابه، تساوی و تقابل بیان می‌کند و به اقسام چهارگانه تقابل می‌پردازد. در درس بعدی عکس مستوی را توضیح می‌دهد و قاعده هر کدام را نیز اثبات می‌کند. در درس بعد عکس نقیض‌های موافق و مخالف را بحث می‌کند و قواعد آن اثبات می‌نماید. گفتنی است که در عکس‌ها، هم درباره حملیه‌های محصوره توضیح داده می‌شود و هم درباره شرطیه‌ها. در درس چهارم نیز نقض‌های تام و موضوع و محمول گفته می‌شود.^۱ در قسمت انتهایی این درس نیز نکته‌ای به نقل از سلیمانی امیری بیان می‌شود که در باب کارکرد عکس مستوی و نقض محمول در عکس نقیض است؛ بدین صورت که روش استنتاج عکس نقیض‌ها از عکس مستوی و نقض محمول توضیح داده می‌شود. البته با توجه به نظر مشروحی که از سلیمانی خواهد آمد، نکته مزبور قسمتی از نظر سلیمانی است که به اصل و مبنای ایده وی اشاره نشده، بلکه ظاهر مقدمه این قسمت، مغایر نظر سلیمانی است؛ چرا که همان طور که خواهد آمد، وی عکس مستوی و نقض محمول را اصل در استدلال مباشر می‌داند و بقیه اقسام را به آن باز می‌گرداند (همان طور که در اقسام قیاس اقترانی، شکل اول را اصل می‌گیریم و در اثبات اشکال دیگر، آنها را به شکل اول باز می‌گردانیم)؛ اما منتظری در این قسمت می‌گوید:

هر یک از استدلال‌های مباشر، کارکردهای مفید و ارزشمندی دارد که در فرآیند دستیابی به تصدیقی نو و تحصیل اعتقادی جدید، بسیار سودمند است؛ از جمله عکس مستوی و نقض محمول. با بهره‌گیری از این دو نوع استدلال مباشر، به سهولت و سرعت می‌توان عکس نقیض موافق و مخالف قضایای محصوره را به دست آورد.^۲

چنان‌که از این عبارت پیداست، صرفاً به نقش تولیدی و سهولت اشاره شده و از اصل بودن این دو نوع استدلال مباشر یادی نشده است؛ بلکه تصریح دارد که هر کدام کارکردهایی دارند و از این نظر عکس مستوی و نقض محمول با بقیه برابرند؛ حال آنکه سلیمانی امیری این دو (عکس مستوی و نقض محمول) را اصل، و بقیه را فرع این دو می‌داند و به عبارت دیگر، کارکرد این دو بیش از بقیه است؛ چرا که این دو، مادر اقسام استدلالات مباشرند.

نکته دیگری که ذکر آن لازم است، این است که منتظری مقدم به نبود چنین عنوانی در کتب قدما و به اشکال منطقی مباشر بودن استدلال مباشر در پاورقی‌های خود اشاره دارد و توضیح می‌دهد که در اصل، چنین استدلال‌هایی وام‌دار قیاسی خفی‌اند و مباشر دانستن آنها جنبه تعلیمی و آموزشی دارد.^۳

۱. منتظری مقدم، منطق ۲، ص ۲۱۰-۲۵۰.

۲. همان، ص ۲۴۹.

۳. همان، ص ۲۱۱ و ۲۵۶.

سید علی اصغر خندان منطق کاربردی را در چهار بخش تدوین کرده است: بخش اول مقدماتی در منطق و تفکر، بخش دوم تفکر در حوزه تصورات، بخش سوم تفکر در حوزه تصدیقات و بخش چهارم مغالطات، که قسمت اصلی کتاب را تشکیل داده است. او بخش سوم را نیز به سه بخش تقسیم کرده است: جمله و قضیه، استدلال مباشر، استدلال غیر مباشر. خندان در قسمت استدلال مباشر، از میان نقض‌ها به نقض محمول (قلب)، از عکس‌ها به عکس مستوی و عکس نقیض موافق، و از تقابل به تناقض اشاره می‌کند. البته او پس از ذکر این قسمت‌ها، نحوه تبدیل قضایای شرطی و استدلال مباشر در قضایای شرطی را نیز توضیح می‌دهد.^۱

محمدعلی اژه‌ای کتاب مبانی منطق را در یک مقدمه و هشت فصل تدوین کرده است. مقدمه مربوط به تاریخچه منطق و فصول اول تا چهارم مربوط به منطق تصورات است. فصل پنجم مبحث قضایاست. فصل ششم و هفتم اقسام قیاس، و فصل هشتم صناعات خمس است. در فصل پنجم بعد از طرح تعریف قضیه و اقسام آن به عنوان آخرین بحث این فصل از «استنتاج‌های بی‌واسطه» بحث می‌کند. او در این قسمت، عکس مستوی، عکس نقیض موافق، تناقض، تضاد، دخول تحت تضاد و تداخل را بیان می‌کند.^۲

شایان ذکر است که در طول سال‌های اخیر چند مقاله در حوزه استدلال مباشر منتشر شده است که هر کدام به نکته‌ای اشاره دارند:

محور اصلی مباحث مهدی عظیمی در مقاله «نقدی بر استدلال مباشر» بر روی جاعل این عنوان و بررسی مباشر بودن این نوع استدلال است و با توجه به کلام قدما و متأخرین ثابت می‌کند که مباشر دانستن این نوع استدلال اشتباه است و همگی قیاسی‌اند.^۳ فرشته نباتی در مقاله «حجت و استدلال مباشر» از استدلال بودن احکام قضایا دفاع کرده و کوشیده است تقسیمی از حجت ارائه دهد که جایگاه این استدلال را به‌درستی مشخص کند.^۴

۱-۴-۴. نتیجه بررسی کتب این دوره زمانی

۱. کتب جدید و مطرح این دوره - که امروزه به عنوان کتب آموزشی منطق در مجامع علمی مطرح‌اند - همگی تحت تأثیر مظفرند و بحث نقض وارد کتب منطقی این دوره شده است.
۲. تبویب بخش تصدیقات منطق تغییر کرده است؛ بدین صورت که در بخش تصدیقات ابتدا

۱. خندان، منطق کاربردی، ص ۱۱۲-۱۲۰.

۲. اژه‌ای، مبانی منطق، ص ۹۴-۹۹.

۳. عظیمی، «نقدی بر استدلال مباشر»، معرفت فلسفی، سال چهارم، ش ۱، پاییز ۱۳۸۵، ص ۸۵-۱۱۳.

۴. نباتی، «حجت و استدلال مباشر»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت سینوی (مشکوه‌النور)، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۶۱-۸۰.

مباحث قضایا را به عنوان مقدمه طرح می‌کنند و سپس به سراغ اقسام استدلال می‌روند. استدلال هم در تقسیم اولیه به مباشر و غیر مباشر تقسیم می‌شود. استدلال غیر مباشر نیز از جهت صورت (اقسام حجت) و ماده (صناعات خمس) بحث می‌شود.

۴-۲. نظر رضا اکبری و عسکری سلیمانی امیری (کشف عکس نقیض موضوع یا نقض عکس)

این نظریه به لحاظ دوره تاریخی، دوره‌ای مجزا نیست؛ چرا که بر مبنایی که مظفر بنا کرده است، ایده‌پردازی شده و به‌نوعی تکمیل‌کننده حرکت مظفر در مباحث استدلال مباشر است. محور تغییرات در این قسمت در کشف موردی جدید در استدلال مباشر و نیز ارائه روشی نو برای آموزش این بخش از منطق است. این تغییرات را دو نفر ارائه کردند: نخست رضا اکبری در مقاله «احکام قضایا» در سال ۱۳۸۵ و سپس عسکری سلیمانی امیری در مقاله «روشی جدید در استنتاج صوری با کمترین قاعده» در سال ۱۳۸۸. گفتنی است که اسدالله فلاحی در دو مقاله مجزا مقاله اکبری و مقاله سلیمانی را تحلیل، بررسی و نقد کرده و ضعف‌های آنها را بیان و تصحیح، و نقاط قوتشان را تأکید و تشریح کرده است.^۱ پس در مجموع، نتایج این دوره تابع نظریه‌پردازی اکبری و سلیمانی و نقدهای سازنده فلاحی است و به نظر می‌رسد پیگیری و اعمال تأثیر مجموع نتایج آنها بر منطق می‌تواند تحولات تازه‌ای را در منطق ایجاد کند.

رضا اکبری در مقاله «احکام قضایا» اشکالات آموزشی و روشی مظفر را در استدلال مباشر توضیح می‌دهد و بعد از بیان مربع تقابل، اثبات و بررسی عکس مستوی به وسیله نمودار ون و همچنین اثبات نقض محمول با الگوگیری از سبک خواجه در بیان عکس نقیض، روشی نو در آموزش این بحث ارائه می‌دهد که به صورت اجرای متناوب عکس مستوی و نقض محمول است؛ یعنی روی یک قضیه عکس مستوی اجرا می‌شود و سپس روی نتیجه آن، نقض محمول، و سپس روی قضیه سوم عکس مستوی و... این فرآیند آن‌قدر ادامه پیدا می‌کند که به سالبه جزئی و عکس مستوی برسیم. آن‌گاه دوباره به قضیه اول بر می‌گردیم و فرآیند را تکرار می‌کنیم با این تفاوت که این بار نقض محمول را مقدم کرده و سپس عکس مستوی را اجرا می‌کنیم. بدین ترتیب قضایایی که در هر مرحله تولید می‌شوند، قسمی از اقسام استدلالات مباشر هستند. وی از این طریق نوع جدیدی را نیز به استدلال مباشر اضافه

۱. رک: فلاحی، اسدالله (۱۳۹۱). نقدی بر مقاله «روشی جدید در استنتاج صوری با کمترین قاعده»، معارف عقلی، ش ۲۵، ص ۱۶-۱۳۹؛ فلاحی، اسدالله (۱۳۹۱). «مکعب تقابل: روابط قضایای معدوله»، فلسفه و کلام، سال ۳۵، ش ۱، ص ۱۲۳-۱۴۳. وی در درآمد مقاله «مکعب تقابل: روابط قضایای معدوله» تاریخچه خوبی از محل بحث بیان کرده و تفاوت‌های دو مقاله اکبری و سلیمانی را ذکر کرده است.

می‌کند و آن را «عکس نقیض موضوع» می‌نامد.^۱ سلیمانی امیری نیز، با وارد کردن «سور محمول»، به این روش تولیدی - اما متفاوت با بیان اکبری - اشاره می‌کند و نوع جدیدی را که اکبری آن را «عکس نقیض موضوع» نامید با نام «نقض عکس» کشف و معرفی می‌نماید.

وی طرح خود را در قالب مقاله‌ای تحت عنوان «روشی جدید در استنتاج صوری با کمترین قاعده» ارائه داده و سپس در معیار دانش، کتاب مفصل پژوهشی منطقی، نیز به صورت ضمنی اشاره کرده است.

تبویب کتاب وی شبیه المنطق است؛ بدین صورت که او نیز عنوان استدلال مباشر را استفاده می‌کند و به عنوان قسمی از اقسام استدلال و بعد از مباحث مربوط به قضیه قرار می‌دهد. در موارد استدلال مباشر هر آنچه را مظفر ذکر کرده بود، ذکر می‌کند و موردی را نیز بر آن می‌افزاید.^۲

طرح کلی وی بدین صورت است که همان طور که در اقسام چهارگانه قیاس^۳ شکل اول را بدیهی و اصل می‌گیریم و سه شکل دیگر را فروع آن و نظری، و اشکال دیگر را بر اساس شکل اول اثبات می‌کنیم، در استدلال مباشر نیز باید چنین کرد؛ زیرا یکی از وظایف منطق، طبقه‌بندی استدلال به اصول و فروع است. بنابراین ایشان تقابل، عکس مستوی و نقض محمول را اصل می‌گیرد و بر اساس روشی ساده، اقسام دیگر استدلال مباشر را از این سه تولید می‌کند؛ بدین صورت که از قضیه اول یک بار به ترتیب عکس مستوی و سپس نقض محمول گرفته می‌شود و این فرآیند آن قدر تکرار می‌شود که به سالبه جزئیة برسیم که آن نیز عکس مستوی ندارد؛ یک بار نیز نقض محمول و بعد از آن عکس مستوی می‌گیریم و فرآیند را تا انتها تکرار می‌کنیم. بدین صورت، اقسام استدلال مباشر بعد از اجرای هر قاعده، تولید می‌شود. بر اساس این روش، نوع جدیدی از استدلال مباشر کشف می‌شود که تا قبل از ایشان در کتب منطقی یافت نشده است که ایشان آن را «نقض عکس» نامیده است. بدین صورت که نقیض موضوع را به جای محمول و محمول را عیناً موضوع قرار می‌دهیم.

تفاوت تحقیق ایشان با پژوهش اکبری، در ارائه طرح «سور محمول» است. وی اثبات عکس مستوی را نه با نمودار ون، بلکه با طرح سور محمول انجام می‌دهد. از همین طریق عکس نداشتن سالبه جزئیة را بررسی کرده، این بی‌عکسی را در زبان عرفی جست‌وجو می‌کند و تنگنای زبانی و کژتابی‌های آن را ذکر می‌نماید و بیان می‌دارد که زبان عرفی توان و کشش

۱. اکبری، «احکام قضایا»، فصلنامه ندای صادق، ش ۲۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۷۵-۹۳.

۲. سلیمانی امیری، معیار دانش، ج ۱، ص ۳۵۹-۴۱۳.

سور محمول را ندارد. لذا عکس برای موجبه جزئیه مطرح نمی‌شود. اما در زبان منطقی این کار امکان‌پذیر است و با اقتباس از منطق ریاضی، زبانی صوری ارائه می‌دهد که بر اساس آن، اثبات عکس مستوی بسیار آسان گردیده و سالبه جزئیه نیز از نظر منطقی - نه عرفی - می‌تواند عکس مستوی داشته باشد. بنابراین در روش تولیدی اقسام استدلال مباشر با اجرای متناوب عکس مستوی و نقض محمول، با استفاده از زبان صوری پیشنهادی سلیمانی، حتی از سالبه جزئیه هم می‌توان عکس مستوی گرفت و فرآیند تولیدی را ادامه داد.

درباره پیشینه نقض عکس، هرچند اسدالله فلاحی در مقاله «نقدی بر مقاله "روشی جدید در استنتاج صوری با کمترین قاعده"» سعی کرده است عدم انسجام مقاله سلیمانی امیری را نشان دهد بدین شکل که عنوان کرده است: «نویسنده (سلیمانی) قاعده نقض عکس خود را یک بار بدون پیشینه می‌نامد و بار دیگر بدون ذکر نام، برای آن پیشینه‌ای برمی‌شمارد؛ چرا که سلیمانی یک بار در مقاله خویش می‌گوید: «با اعمال این روش به قاعده استنتاج جدیدی می‌رسیم که در منطق نشانی از آن نبوده و آن نقض عکس است»،^۱ و یک بار نیز بیان می‌دارد: «نقض عکس، لازمی است که در کتاب‌های منطقی مطرح نبوده است و به تدریج در برخی آثار منطقی آمده است».^۲

فلاحی پس از ذکر سبق اکبری در کشف نقض عکس بیان می‌کند: «معلوم نیست که آیا مقصود سلیمانی امیری از "برخی آثار منطقی" همین مقاله اکبری است؟ یا اینکه اثر دیگری مقصود وی بوده است؟» و در پی نوشت این قسمت نیز می‌نویسند: «آقای سلیمانی نیز در حاشیه مقاله اینجانب نوشته‌اند: "مقصود از کتب منطقی درسی در دوره‌های اسلامی غیر از دوره معاصر است." اما بیان نکرده‌اند که مقصود کدام کتاب‌ها بوده است».^۳ اما با توجه به پاورقی کتاب معیار دانش^۴ در بحث نقض عکس و همچنین پرسش شفاهی از وی، منظور سلیمانی، کتاب المنطق الصوری و الریاضی، نوشته عبدالرحمن بدوی بوده است.^۵ گرچه عبارت‌پردازی سلیمانی در متن مقاله‌اش در رابطه با این تاریخچه می‌توانست دقیق‌تر باشد.

شایان ذکر است از آنجا که کتاب المنطق الصوری و الریاضی در حوزه منطق جدید محسوب می‌شود، تقدم ذکر آن مخل به سنت منطق اسلامی نیست. چه بسا ایده‌ها یا مباحثی در پارادایم‌های

۱. سلیمانی امیری، «روشی جدید در استنتاج صوری با کمترین قاعده»، معارف عقلی، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۸، ص ۵۷-۵۸.

۲. همان.

۳. فلاحی، «نقدی بر مقاله "روشی جدید در استنتاج صوری با کمترین قاعده"»، معارف عقلی، پیاپی ۲۵، سال ۷، ش ۴، ص ۱۶۳.

۴. کتاب معیار دانش دو سال بعد از مقاله وی به چاپ رسیده است.

۵. بدوی، المنطق الصوری و الریاضی، ص ۱۴۳.

متفاوت علمی طرح شده باشد، ولی طرح آنها در یک سنت خاص علمی، متوقف بر ارائه آن بر اساس الگوی روش شناختی همان سنت خاص علمی است و زمانی که مسئله‌ای بر اساس روش خاص یک سنت علمی، وارد آن شد، مسئله جدید آن محسوب می‌شود و ارتقای آن سنت دانشی به شمار می‌آید. بنابراین نقض عکس - هرچند در بعضی کتب منطق جدید طرح شده باشد یا الگوی آن از منطق جدید گرفته شده باشد - طرح آن به عنوان یکی از اقسام استدلال مباشر یا احکام قضایا در سنت منطق اسلامی، حرکتی بدیع و نو محسوب می‌شود.

در پایان باید تصدیق کرد که عموماً در تحقیق، دستاورد علمی متعلق به فرد متقدم است و حتی اگر فرد متأخر بدون اطلاع از فرد متقدم یک نظر را بازکشف نموده باشد، باز هم الفضل للمتقدم، و چه بسا عدم مراجعه متأخر به متقدم، عیبی روشی محسوب شود؛ اما از آنجا که: ۱. طرح و تبیینی که سلیمانی در مقاله خود ارائه می‌دهد، وسیع‌تر و مبنایی‌تر از طرح اکبری است و نتیجه این طرح (ایجاد سور برای محمول)، تنها تحول در استدلال مباشر نیست، بلکه می‌تواند منشأ تغییر در قسمت‌های دیگر منطق (نظیر اقسام قیاس و تحلیل قیاس‌های منتج و غیر منتج) باشد، ۲. وی مبحث نقض عکس را برای اولین بار وارد کتب آموزشی منطق اسلامی (معیار دانش) کرده است، این طرح و تحول را مشترکاً به اکبری و سلیمانی نسبت می‌دهیم و این مقطع تاریخی را مقطع کشف نقض عکس می‌نامیم و می‌توان مدعی شد که ورود «نقض عکس» به منطق اسلامی از ابداعاتی است که مشترکاً مربوط به سلیمانی و اکبری - و البته با تأثیرپذیری از منطق جدید - است. در مجموع، نوآوری این محققین در فضای استدلال مباشر عبارت است از:

۱. روش جدید آموزشی که بر اساس آن به هیچ عنوان لازم نیست متعلم منطق، همه قواعد را حفظ کند؛
۲. افزودن «نقض عکس» به اقسام استدلال مباشر.

جمع بندی

۱. کاتبی قزوینی و مظفر دو شخصیت محوری و منشأ تحول در مباحث احکام قضایا هستند و تاریخ منطق را در مباحث احکام قضایا به سه دوره تقسیم می‌کنند؛ اما اکبری و سلیمانی نیز در تکمیل تحول مظفر نقش ویژه‌ای دارند.
۲. تا قبل از کاتبی نگاه منطقدانان به احکام قضایا، بیشتر نگاهی ابزاری خصوصاً برای بهره‌گیری در بازگردانی قیاس‌های شکل دوم و سوم و چهارم به شکل اول است. منطقدانان تنها آن اقسامی از احکام قضایا را مطرح می‌کنند که به این جنبه کاربردی کمک می‌کند که عبارت‌اند از تناقض و عکس مستوی. به دلیل همین رویکرد کاربردمحور، منطقدانان ضرورتی برای کنار هم قرار دادن این مباحث احساس نمی‌کردند و معمولاً تناقض را ضمن مباحث قضایا، و عکس را به عنوان مقدمه



بحث قیاس مطرح می‌کردند. مباحث استدلال مباشر در این دوره - و به صورت جدی و صریح توسط ابن سینا - در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد.

۳. از کاتبی تا مظفر، آرام آرام مباحث استدلال مباشر اصالت گرفته، در کنار هم قرار می‌گیرند و صاحب عنوان مخصوص به خود، و هم‌عرض مباحث دیگر مطرح می‌شوند. عکس نقیض‌ها نیز به جمع موارد قبلی اضافه می‌شوند. فصل مربوط به این مباحث در تبویب منطق، بعد از قضایا و قبل از قیاس جای می‌گیرد.

۴. از مظفر تا امروز مباحث احکام قضایا جنبه استدلالی می‌گیرد و هم‌عرض مباحث قیاس و به عنوان نوع خاصی از استدلال - یعنی استدلال مباشر - مطرح می‌شود و بدین طریق، تبویب کتب منطقی در بخش تصدیقات دست‌خوش تحول می‌شود. تعداد استدلال‌های مباشر در این دوره به ده نوع می‌رسد که مهم‌ترین آنها افزوده شدن مباحث نقض به کتب منطقی است. این تغییرات متناسب با تغییر رویکرد منطق‌دانان از مباحث صرفاً کاربردی به مباحث اصالی شکل گرفته است.

۵. اکبری و سلیمانی یک مورد جدید به نام «عکس نقیض موضوع» یا «نقض عکس» را به موارد استدلال مباشر می‌افزایند و همچنین با کشف رابطه تولیدی همه اقسام استدلال مباشر با عکس مستوی و نقض محمول و تقابل، روش جدیدی را در آموزش و به دست آوردن اقسام احکام قضایا ارائه می‌دهند.

۶. بحث احکام قضایا با یک نگاه ابزاری و ذکر موارد عرفی و کاربردی در روزمره، در منطق تولد یافته و در طول تاریخ به مباحثی اصیل و البته انتزاعی و ریاضی تبدیل شده است و به نظر می‌رسد این تغییر رویکرد، به دلیل انس منطق‌دانان معاصر مسلمان با سنت منطقی غرب بوده است.

منابع

۱. ابن رشد، **تلخیص کتاب العبارة**، تحقیق دکتر محمود قاسم، تکمیل و مقدمه و تعلیق دکتر بترورث و هریدی، قاهره، هیئة المصریة، ۱۹۸۱م.
۲. ابن زرعہ، **منطق ابن زرعہ**، تحقیق و تعلیق جیرار جیہامی و رفیق العجم، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۹۹۴م.
۳. ابن سینا، **النجاة**، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۴. **الشفاء (المنطق)**، تحقیق سعید زاید، قم، انتشارات آیة‌الله المرعشی، ۱۴۰۴ق.
۵. ازہای، محمدعلی، **مبانی منطق**، تهران، سمت، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۸۲.
۶. آشتیانی، سید جلال‌الدین، **شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرای**، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰.
۷. اکبری، رضا، «احکام قضایا»، فصلنامه **ندای صادق**، ش ۲۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۷۵-۹۳.
۸. بخشنده بالی، عباس، **آواز عقل سرخ؛ مروری بر اندیشه‌های شیخ اشراق**، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۹. بدوی، عبدالرحمن، **المنطق الصوری و الرياضی**، کویت، وکالت المطبوعات، ۱۹۷۷.
۱۰. بغدادی، ابوالبرکات، **المعتبر فی الحکمه**، ج ۱، اصفهان، دانشگاه اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۱. بهمنیار بن مرزبان، **التحصیل**، تصحیح و تعلیق مرتضی مطهری، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۷ش.
۱۲. حسینی، سید فضل‌الله و غلامرضا میناگر، **آشنایی با فیلسوفان مسلمان؛ خواجه نصیرالدین طوسی**، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۳. خندان، علی‌اصغر، **منطق کاربردی**، تهران، سمت و طه، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۱۴. خوانساری، محمد، **منطق صوری**، تهران، آگاه، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۶.
۱۵. خونجی، محمد بن ناماور، **کشف الاسرار عن غوامض الافکار**، تقدیم و تحقیق خالد الرویب، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۶. ذکایی ساوجی، مرتضی، «احوال و آثار حکیم ابن سهلان ساوی»، **کیهان اندیشه**، ش ۴۱، ۱۳۷۱، ص ۳۵-۴۰.
۱۷. ساوی، زین‌الدین عمر بن سهلان، **البصائر النصیریة**، تقدیم و تحقیق حسن مراغی، تهران، شمس تبریزی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش/۱۴۲۵ق.

۱۸. سبزواری، ملاحادی، شرح المنظومه، تصحیح و تعلیق حسن حسن‌زاده آملی، تحقیق و تقدیم مسعود طالبی، تهران، نشر ناب، چاپ اول، ۱۳۶۹/۱۳۷۹ ش.
۱۹. اللالی المنتظمه، تصحیح عبدالرحیم عقیقی، قم، نشر مکتب نوید اسلام، چاپ اول، بی‌تا.
۲۰. سلیمانی امیری، عسکری، معیار دانش، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲۱. «روشی جدید در استنتاج صوری با کمترین قاعده»، معارف عقلی، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۸، ص ۶۸-۴۵.
۲۲. سهرابی‌فر، محمدتقی، عقل و عشق؛ مرور بر زندگی و اندیشه ملاصدرای شیرازی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۲۳. سهرودی، شهاب‌الدین یحیی، اللمحات (قسم منطق، مندرج در مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۴)، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۲۴. منطق التلویحات، تصحیح علی‌اکبر فیاض، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۳۴ ش.
۲۵. حکمة الاشراق (قسم منطق، مندرج در مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۲)، تصحیح هانری کربن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۹ ش.
۲۶. شهابی خراسانی، میرزا محمود، رهبر خرد، قم، انتشارات عصمت، ۱۳۸۷.
۲۷. شهرزوری، شمس‌الدین، رسائل الشجرة الالهية في علوم الحقایق الربانية، تصحیح و تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران، مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۲۸. صدرالمتألهین، اللمعات المشرقیه فی الفنون المنطقیه، تصحیح دکتر مشکاة‌الدینی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۲۹. عبودیت، عبدالرسول، خطوط کلی حکمت متعالیه، تهران سمت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۳۰. عظیمی، مهدی، «نقدی بر استدلال مباشر»، معرفت فلسفی، سال چهارم، ش ۱، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۱۳-۸۵.
۳۱. علامه حلی، القواعد الجلیه فی شرح الرساله الشمسیه، تحقیق فارس حسون تبریزیان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.

۳۲. — الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید، تصحیح محسن بیدارفر، قم، بیدار، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
۳۳. — الأسرار الخفیة، بی‌جا، ۱۳۷۹ش.
۳۴. غزالی، ابوحامد محمد، محک النظر، تحقیق و ضبط و تعلیق رفیق العجم، بیروت، چاپ هلال، چاپ اول، ۱۹۹۳م.
۳۵. — معیار العلم فی فن المنطق، تعلیق علی بوملحم، بیروت، چاپ هلال، چاپ اول، ۱۹۹۳م.
۳۶. فارابی، ابونصر محمد، المنطقیات، تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
۳۷. فخر رازی، محمد، شرح عیون الحکمه، تصحیح احمد حجازی احمد السقاء، تهران، منشورات مؤسسه صادق، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۳۸. فرامرز قراملکی، احد، منطق ۱، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۳۹. فلاحی، اسدالله، «مکعب تقابل: روابط قضایای معدوله»، فلسفه و کلام، سال ۳۵، ش ۱، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳-۱۴۳.
۴۰. — «نقدی بر مقاله "روشی جدید در استنتاج صوری با کمترین قاعده"»، معارف عقلی، پیاپی ۲۵، سال ۷، ش ۴، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹-۱۶۸.
۴۱. — منطق تطبیقی، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۴۲. فنایی اشکوری، محمد، درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی، جمعی از نویسندگان زیر نظر دکتر فنایی، تهران، سمت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۰.
۴۳. قطب‌الدین رازی، محمد، المحاکمات بین شرحی الاشارات، قم، نشر البلاغ، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۴۴. — شرح المطالع فی المنطق (چاپ سنگی)، قم، انتشارات کتبی نجفی، بی‌تا.
۴۵. — تحریر القواعد المنطقیة فی شرح الرسالة الشمسیة، متن اصلی از کاتبی قزوینی با شرح قطب‌الدین رازی، تصحیح محسن بیدار، قم، بیدار، ۱۳۹۰.
۴۶. قطب‌الدین شیرازی، درة التاج، تصحیح سید محمد مشکاة، تهران، چاپ حکمت، چاپ سوم، ۱۳۶۹ش.
۴۷. کاپلستون، فریدریک چالز، تاریخ فلسفه (یونان و روم)، جلد ۱، ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی و سروش، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ش.

۴۸. کاشف الغطاء، نقد الآراء المنطقيه، بی جا، ۱۴۱۱ق.
۴۹. مرکز پژوهشی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی، المعجم الموضوعی لمنتخب الكتب المنطقيه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۵۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۵۱. —، کلیات علوم اسلامی (۱) منطق - فلسفه، قم، انتشارات صدرا، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۰.
۵۲. مظفر، محمدرضا، المنطق، تعلیقه غلامرضا فیاضی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ نهم، ۱۴۳۳ق.
۵۳. منتظری مقدم، محمود، منطق ۲، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، چاپ سوم.
۵۴. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، دانشنامه جهان اسلام، (مقاله تفتازانی)، بی تا.
۵۵. میرداماد، محمدباقر، مصنفات میرداماد، (جزء دوم: وفق مبین)، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۱-۱۳۸۵.
۵۶. نباتی، فرشته، «حجت و استدلال مباشر»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت سینوی (مشکوٰۃ النور)، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱-۲۱.
۵۷. نصیرالدین طوسی، خواجه محمد، شرح الاشارات و التنبیهات مع المحاکمات، قم، نشر البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۵۸. —، اساس الاقتباس، مصحح عزیزالله عزیزاده، چاپ اول. تهران: انتشارات فردوس.
۵۹. —، تعديل المعيار فی نقد تنزیل الافکار. تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
۶۰. یزدی، ملاعبدالله، حاشیه ملاعبدالله علی التهذیب، قم، انتشارات دار التفسیر، چاپ سوم، ۱۳۹۰.